

او برقرار شود کمیسیون بودجه بعد از مذاکرات تصویب مینماید که نصف حقوق مرحوم اسدالله خان در حق ورثه قانونی آن برقرار و چون کلبعلی خان اخوی مرحوم اسدالله خان هم خدمات کامل در راه مشروطیت نموده چهل تومان مادام الحیوة درباره کلبعلی خان برقرار شود.

حاج سید ابراهیم - خوبست لفظ سالیانه اضافه شود.

حاج عز الممالک - چون بطور ماده پیشنهاد نشده است بنده بطور ماده پیشنهادی کرده تقدیم میدارم (ماده پیشنهادی آقای حاجی عز الممالک بقرار ذیل قرائت شد).

ماده واحده - نصف حقوق مرحوم اسدالله خان بختیاری مطابق قانون متوفیات در حق ورثه قانونی آن مرحوم برقرار علاوه بر منع چهل تومان سالیانه مادام الحیوة درباره کلبعلی خان بختیاری اخوی مرحوم اسدالله خان برقرار میشود.

رئیس - باین ماده مخالفی نیست (اظهاری نشد) رأی میگیریم آقایانیکه این ماده را تصویب میکنند ورقه سفید خواهند انداخت و آقایانیکه تصویب نمیکنند ورقه کبود (اوراق رأی اخذ و آقای حاج میرزا رضا خان احصاء نمودند).

رئیس - با کثرت ۵۹ رأی از ۷۳ نفر نمایندگان حاضر تصویب شد - آقای سلیمان میرزا راجع بدستور اظهاری داشتید بفرمائید.

سلیمان میرزا - در ضمن راپورتهای کمیسیون بودجه يك راپورتی هست راجع بحقوق آقای مسیو یفرم خان چون چیزی در دستور نداریم خوبست آنرا فعلا جزء دستور بگذاریم و رأی بگیریم (گفتند صحیح است).

رئیس - خوب رأی میگیریم آقایانیکه تصویب میکنند که راپورت کمیسیون بودجه راجع بسپرد تومان حقوق ماهیانه درباره آقای مسیو یفرم خان در همین جلسه مطرح مذاکره شود قیام نمایند (اغلب قیام نمودند).

رئیس - با کثرت تصویب شد (راپورت کمیسیون بودجه راجع با آقای مسیو یفرم خان بقرار ذیل قرائت شد لایحه وزارت مالیه در خصوص برقراری مواجب در حق مسیو یفرم خان در کمیسیون بودجه مطرح گردیده بر حسب تصویب هیئت وزراء در تاریخ ۲۳ شعبان وزارت مالیه ماده واحده پیشنهاد نموده بودند که سالیانه مبلغ سه هزار و شصصد تومان در حق مسیو یفرم خان مواجب برقرار شود پس از مذاکرات لازمه نظر بخدماتیکه مسیو یفرم خان از ابتدای دوره انقلاب در راه مشروطیت و آزادی ایران نموده واستحقاق همه نوع امتیازات را دارد کمیسیون بودجه مطابق پیشنهاد وزارت مالیه و تصویب هیئت وزراء ماده واحده ذیل را رأی داده بمجلس شورای ملی پیشنهاد مینماید.

ماده واحده - مبلغ سه هزار و شصصد تومان سالیانه بصیغه مواجب مادام الحیوة در حق مسیو یفرم خان برقرار میشود.

رئیس - آقای دکتر علیخان مخالف هستید **دکتر علیخان** - سؤالی دارم میخواستم بدانم چون اینجا مادام الحیوة قید شده است بعد از فوت

چه صورتی پیدا خواهد کرد چون مسیو یفرم خان شخصی است جنگی وغالباً در جنگ است خواستم نظر باینمطلب داشته باشیم که اگر خدای نخواستہ يك اتفاقی افتاد چه خواهد شد حقوق یفرم خان مثل سایر حقوقات خواهد شد یا خیر.

رئیس - پیشنهادی دارید بدهید تا رأی بگیریم **حاج عز الممالک** - اینجا اعتقاد شخص بنده این است که مواجب که گفته شد البته قانون متوفیات شامل او خواهد شد مثل سایر مواجب ها خواهد بود.

رئیس - لازم است عرض بکنم که اگر پیشنهادی بطور اصلاح شود و رأی بگیریم قابل توجه شود آن وقت امروز رأی قطعی نمی توانیم بگیریم.

حاج عز الممالک - بنده قبول میکنم **رئیس** - شما نباید قبول کنید از طرف وزراء باید قبول شود.

حاج عز الممالک - چون همین مسئله در کمیسیون مذاکره شد و کمیسیون رأی داد (پیشنهاد دکتر علیخان بعبارت ذیل قرائت شد) بنده پیشنهاد میکنم که این ماده بدون لفظ مادام الحیوة رأی گرفته شود.

رئیس - توضیح بدهید **دکتر علیخان** - بنده پیشنهاد کرده ام که بدون لفظ مادام الحیوة نوشته شود چون با قید مادام الحیوة بعد از فوت مقطوع خواهد شد و لکن اگر لفظ مادام الحیوة قید نشود معلوم میشود که بعد از فوت تکلیفش مثل سایر حقوق خواهد بود و قانون متوفیات شامل او خواهد شد (بعضی تصدیق کردند).

رئیس - آقایانیکه این اصلاح را تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند).

رئیس - با کثرت تصویب شد ماده خوانده میشود (بعبارت ذیل قرائت شد).

ماده واحده - مبلغ سه هزار و شصصد تومان بصیغه مواجب سالیانه در حق مسیو یفرم خان برقرار میشود **رئیس** - آقایانیکه این ماده را تصویب میکنند ورقه سفید و آقایانیکه رد میکنند ورقه کبود خواهند داد.

(در اینموقع شروع به اخذ اوراق رأی گردید و آقای حاج میرزا رضا خان اوراق را باین عدده احصاء نمودند ورقه سفید ۶۲).

رئیس - با کثرت (۶۲) رأی از (۷۵) نفر نمایندگان حاضر تصویب شد.

در باب جلسه آتیه چون نه طرح قانونی و نه لایحه قانونی حاضر داریم که جزء دستور قرار دهیم اگر آقایان تصویب بفرمایند جلسه آتیه را بروز سه شنبه قرار می دهیم برای روز سه شنبه هم قانون انتخابات حاضر خواهد بود. مخالفی نیست - (گفته شد خیر) دستور روز سه شنبه راپورت کمیسیون قوانین مالیه راجع باستخدم یکنفر اروپائی برای محاسبات وزارت پست و تلگراف ایضاً راپورت کمیسیون بودجه راجع باستخدم دونفر بلژیکی برای اداره گمرک قانون انتخابات.

حاج آقا - بنده چندی قبل عرض کردم امروز هم میخوام تکرار بکنم که يك قانونی راجع به

شرکتها در مجلس شورای ملی مطرح شد و شور اول هم شد و بهترین قانونی بود که ... **رئیس** - آروز عرض کردم اگر حاضر بود جزء دستور میشد.

حاج آقا - استدعا میکنم تأکید بفرمائید زودتر راپورت بدهند که جزء دستور شود.

لواء الدوله - در چند جلسه چه کتباً چه شفاهاً بنده عرض کردم در خصوص ورثه یحیی خان سرتیپ راپورتی داده شد و همینطور مانده در واقع اینها هم مجاهدین قزاقخانه هستند و خدمت کرده اند باز هم استدعا میکنم که هر چه زودتر بلکه در جلسه آتیه جزء دستور گذاشته شود.

رئیس - مخالفی نیست جزء دستور میگذاریم. **دکتر حیدر میرزا** - کمیسیون محاسبات راپورتی در باب طلب استاد قاسم معمار تقدیم کرده و زیاده بر سه ماه است که تقدیم شده چون استاد قاسم پریشان و جمعی از اهل مجلس هم صحت طلب او را تصدیق کرده اند تقاضا میکنم جزء دستور جلسه آتیه بشود.

رئیس - آن راجع به هیئت رئیسه است خودمان ترتیب او را میدهیم (در اینموقع رئیس حرکت کرد و مجلس یکساعت ونیم قبل از غروب ختم شد).

جلسه ۴۰۰

صورت مجلس روز سه شنبه ۹ شهریور شوال ۱۳۲۹

رئیس (آقای مؤتمن الملك) دوساعت ونیم قبل از غروب بجای خود جلوس و پس از ده دقیقه مجلس افتتاح گردید.

(صورت مجلس روز ۵ شنبه را آقای میرزا ابراهیم خان قرائت نمودند).

اسامی غائبین جلسه قبل - بدون اجازه آقا میرزا ابراهیم قمی - آقا سید محمد باقر ادیب

آقای تربیت - آقای دکتر رضا خان - آقایانی که از وقت مقرر تأخیر نموده اند آقای متین السلطنه ۴۰ دقیقه - آقای حاج وکیل الرعایا - آقای طباطبائی هر يك نیم ساعت.

رئیس - آقای میرزا ابراهیم در صورت مجلس ایرادی دارید

آقا میرزا ابراهیم - بنده را غائب بدون اجازه نوشته اند و حال آنکه کتباً اجازه خواسته بودم.

رئیس - مکرر عرض کرده ام مسئله غیبت نباید در مجلس یا بهیئت رئیسه اظهار شود اگر اظهاری دارید با اداره مباشرت اظهار بکنید.

رئیس - دیگر ملاحظاتی نیست؟ (اظهاری نشد).

رئیس - صورت مجلس تصویب شد. راپورت کمیسیون قوانین مالیه راجع باستخدم یکنفر محاسب اروپائی برای محاسبات وزارت پست و تلگراف خاطر آقایان هست که این راپورت يك مرتبه دیگر اینجا قرائت شد رأی گرفتیم که داخل در مواد شویم تصویب نشد.

بعد وزارت مالیه يك پیشنهاد دیگر کرده است و تغییری که داده اند اینست که در آن لایحه حقوق این مستخدم را با دلار نوشته بودند یعنی چهار هزار دلار معین کرده بودند و حالا این لایحه

بشود ولی اطلاعات کامل دارد و تجربیات خوب از وضع این مملکت پیدا کرده است و اگر داخل خدمت شود خوب میتواند عملیات و تجربیات خود را ظاهر کند و ما هم از او استفاده میکنیم و ما چهار هزار تومان برای چه بپا میدهیم برای این میدهیم که تقریباً سالی صد هزار تومان عایدی پست و تلگرافمان زیاد بشود و او وظایفی که دارد بعمل بیارد اصرار خودمان آدم کافی داشتیم محتاج نبودیم که از خارج بیاریم و حالا نداریم تا روزیکه نداریم محتاج هستیم بیاریم و مالیه خودمان را توسعه بدیم و بر عایدات خودمان بیفزاییم تا وقتیکه ترقی بکنیم و کار خودمان را خودمان بکنیم و رفع احتیاج خود را از خارجه بنمائیم و این مبلغ قسمت تجربیات و امتحانات او است و قیمت اینست که یک عایدی بیشتری برای ما داشته باشد.

بهرجت - اینجا توضیح میکنم مخالفت خودم را که در کلیات هم عرض کردم و عرض میکنم که مخالفت بنده نه برای اینست که وجود یک نفر محاسب برای شعبه اداری مالیه وزارت پست و تلگراف معتقد نبودم بنده ملتفت هستم و لازم میدانم ولی چون در ماده دوم تصریح نشده است که از اعتبار شصت هزار تومان تقطیش این وجه داده میشود بنده با این مخالفم بدیهی است که باید شعب مالیه ما هر چه هست چه پست چه تلگراف در تحت نظر وزارت مالیه اداره شود یعنی هر چیزیکه راجع به روزانه باشد و مربوط به مالیه باشد باید در تحت نظارت وزارت مالیه باشد و این اختیار تا یک اندازه واکذار شده است بمرکز شوستر که هر کس را میخواهد استخدام کند ولی چیزیکه هست اینست که ما میگوئیم که این چهار هزار تومان را از آن شصت هزار تومانی که بمرکز شوستر اعتبار داده شده است استثناء بکنیم اگر ما بخواهیم هر تشکیلی که می دهیم برای وزارت مالیه از این شصت هزار تومان بدیم برای اداره تقطیش چیزی باقی نمی ماند یک اداره عمده وزارت مالیه اداره تقطیش او است البته آنکسی که برای محاسبات وزارت پست و تلگراف استخدام میشود مواظبت خواهد کرد و همه روزه اداره خواهد کرد و عایدی وزارت پست و تلگراف را جمع آوری خواهد کرد ولی جزو این یک تقطیش دیگر لازم دارد ماده داخل عمل نیست پس اگر خواسته باشیم این چهار هزار تومان را که باین شخص می دهید از آن محل معین کنیم در معنی مرتکب خلاف قانونی شده ایم علاوه بر این یک شعبه است از اداره مالیه که آن شخص در تلگرافخانه و پستخانه اداره میکند و استخدام میشود بجهت جمع آوری عایدات مالیه و اگر آقایان درست التفات بفرمایند خواهند ملتفت شد که عرض بنده صحیح است و فقط آن قسمتی که در آخر نوشته است که این وجه از آن شصت هزار تومان اعتبار داده میشود آن قسمت اگر حذف شود این صحیح خواهد شد و الا اگر بخواهیم از همان شصت هزار تومان بدیم صحیح نیست بجهت اینکه اینجا یک نفر لازم داریم ولی چندین کارهای دیگر هم داریم مثلا برای عایدات کمر گمان هم آدم لازم داریم برای تقطیش تذکره آدم لازم داریم که در سرحدات باید داشته باشیم و لباس و مخارج دارد و این شصت هزار تومان خیلی کم است این اعتبار هم

است اگر چه در اداره هندواروپ مشغول خدمت

که معین میشود در ماده دوم که از شصت هزار تومان اعتباری که از طرف مجلس بخزانه دار کمال داده شده است موضوع میشود اساس این کنترات از اینجا مجزی میشود و بنده عرض میکنم ما نمیتوانیم از مبلغ اعتبار چیزی برای تشکیلات اداره مالیه بخرج ببریم بعلم اینکه تقطیش غیر از تأسیس است این تأسیس است نه تقطیش بلکه ما یک جمعی در اداره مالیه داریم برای تقطیش مالیه معین میشوند و لابد اجزاء برای آنکار لازم است و این اختیارات به خزانه دار کمال داده شده است و باید مسیو شوستر آنجا راهم اداره کند و میتوانیم آنرا بوجهی که اعتبار داده ایم و برای مفتشین تصویب کرده ایم بعضی را استثناء بکنیم از برای یک کاری غیر از آن که در تأسیسات محسوب میشود و اگر باید مبلغی برای اینکار تعیین شود اعتبار علیحده لازم است

مهرز المملک - اگر چه همین طور که آقای رئیس فرمودند مبلغی که آنجا نوشته شده است راجع است بماده دوم ولی چون این لایحه دو ماده بیشتر نیست و مخالفتهاییکه میشود راجع به مبلغ است و توضیحاً عرض میکنم که در ۲۳ جزو در یکی از لوابی که از مجلس گذشت هفت هزار تومان اعتبار داده شد که برای هیئت مامور تقطیش و نظارت در مالیه و در آن لایحه اینطور ذکر شد که این هیئت تقطیش میتواند مرکب باشد از مستخدمین ایرانی و خارجه و اگر مستخدمین اروپائی جدیدی هم لازم بشود باید کنترات آنها به مجلس بیاید و از تصویب مجلس بگذرد و این شخص که استخدام میشود از جمله مستخدمین است که باید از خارجه استخدام بشود و من نمیدانم چه فرقی دارد اینکه باشد با غیر آن و حقوق آنها که چهار هزار تومان با قدری کمتر که اینجا قید شده است هیچ مربوط بمجلس نیست که بمجلس بیاید برای اینکه این مربوط بآن شصت هزار تومان اعتباری است که داده شده است چیزیکه مجلس باید در آن مذاکره نماید دو چیز است یکی ملیت است و یکی سایر چیزهایی است که نوشته شده است غیر از حقوق بلکه ممکن بود هیچ اسمی برده نشود.

لواء الدوله - عرض کنم این مدرسه دارالفنون و مدرسه نظامی برای چیست که سالی مبلغی از دولت گرفته میشود و امروز یک نفر محاسب نداریم و باز محتاج میشویم بخارجه که هی از خارجه محاسب اداره کنند و تیر و شانه و هر چه بخواهیم بیاریم و بدیختی ما اینقدر است که هر چه خرج میکنیم امروز یک نفر نداریم که محاسبات وزارت پست و تلگراف را اداره کند همه ساله از مدرسه دارالفنون معلم بیرون می آید و الا در طهران قریب ۳۰۰ ۴۰۰ مدرسه است که هر کدام با نوزده ساله است که مشغول تدریس هستند خصوصاً مدرسه دارالفنون که تقریباً ۵ سال است دائر چه شده در این مدت یک نفر محاسب پیدا نشده است که محاسبات یک اداره را مرتب بکند و باز باید محتاج باشیم باینکه یک نفر محاسب بچهار هزار دلار یا تومان از خارجه استخدام کنیم حالا عرضم این است که آقای وزیر علوم هیچ توجهی باین مدارس ندارند یاخیر.

حاج وکیل الرعایا - تجربه بانسان داد

بشود ولی اطلاعات کامل دارد و تجربیات خوب از وضع این مملکت پیدا کرده است و اگر داخل خدمت شود خوب میتواند عملیات و تجربیات خود را ظاهر کند و ما هم از او استفاده میکنیم و ما چهار هزار تومان برای چه بپا میدهیم برای این میدهیم که تقریباً سالی صد هزار تومان عایدی پست و تلگرافمان زیاد بشود و او وظایفی که دارد بعمل بیارد اصرار خودمان آدم کافی داشتیم محتاج نبودیم که از خارج بیاریم و حالا نداریم تا روزیکه نداریم محتاج هستیم بیاریم و مالیه خودمان را توسعه بدیم و بر عایدات خودمان بیفزاییم تا وقتیکه ترقی بکنیم و کار خودمان را خودمان بکنیم و رفع احتیاج خود را از خارجه بنمائیم و این مبلغ قسمت تجربیات و امتحانات او است و قیمت اینست که یک عایدی بیشتری برای ما داشته باشد.

بهرجت - اینجا توضیح میکنم مخالفت خودم را که در کلیات هم عرض کردم و عرض میکنم که مخالفت بنده نه برای اینست که وجود یک نفر محاسب برای شعبه اداری مالیه وزارت پست و تلگراف معتقد نبودم بنده ملتفت هستم و لازم میدانم ولی چون در ماده دوم تصریح نشده است که از اعتبار شصت هزار تومان تقطیش این وجه داده میشود بنده با این مخالفم بدیهی است که باید شعب مالیه ما هر چه هست چه پست چه تلگراف در تحت نظر وزارت مالیه اداره شود یعنی هر چیزیکه راجع به روزانه باشد و مربوط به مالیه باشد باید در تحت نظارت وزارت مالیه باشد و این اختیار تا یک اندازه واکذار شده است بمرکز شوستر که هر کس را میخواهد استخدام کند ولی چیزیکه هست اینست که ما میگوئیم که این چهار هزار تومان را از آن شصت هزار تومانی که بمرکز شوستر اعتبار داده شده است استثناء بکنیم اگر ما بخواهیم هر تشکیلی که می دهیم برای وزارت مالیه از این شصت هزار تومان بدیم برای اداره تقطیش چیزی باقی نمی ماند یک اداره عمده وزارت مالیه اداره تقطیش او است البته آنکسی که برای محاسبات وزارت پست و تلگراف استخدام میشود مواظبت خواهد کرد و همه روزه اداره خواهد کرد و عایدی وزارت پست و تلگراف را جمع آوری خواهد کرد ولی جزو این یک تقطیش دیگر لازم دارد ماده داخل عمل نیست پس اگر خواسته باشیم این چهار هزار تومان را که باین شخص می دهید از آن محل معین کنیم در معنی مرتکب خلاف قانونی شده ایم علاوه بر این یک شعبه است از اداره مالیه که آن شخص در تلگرافخانه و پستخانه اداره میکند و استخدام میشود بجهت جمع آوری عایدات مالیه و اگر آقایان درست التفات بفرمایند خواهند ملتفت شد که عرض بنده صحیح است و فقط آن قسمتی که در آخر نوشته است که این وجه از آن شصت هزار تومان اعتبار داده میشود آن قسمت اگر حذف شود این صحیح خواهد شد و الا اگر بخواهیم از همان شصت هزار تومان بدیم صحیح نیست بجهت اینکه اینجا یک نفر لازم داریم ولی چندین کارهای دیگر هم داریم مثلا برای عایدات کمر گمان هم آدم لازم داریم برای تقطیش تذکره آدم لازم داریم که در سرحدات باید داشته باشیم و لباس و مخارج دارد و این شصت هزار تومان خیلی کم است این اعتبار هم

است اگر چه در اداره هندواروپ مشغول خدمت

که معین میشود در ماده دوم که از شصت هزار تومان اعتباری که از طرف مجلس بخزانه دار کمال داده شده است موضوع میشود اساس این کنترات از اینجا مجزی میشود و بنده عرض میکنم ما نمیتوانیم از مبلغ اعتبار چیزی برای تشکیلات اداره مالیه بخرج ببریم بعلم اینکه تقطیش غیر از تأسیس است این تأسیس است نه تقطیش بلکه ما یک جمعی در اداره مالیه داریم برای تقطیش مالیه معین میشوند و لابد اجزاء برای آنکار لازم است و این اختیارات به خزانه دار کمال داده شده است و باید مسیو شوستر آنجا راهم اداره کند و میتوانیم آنرا بوجهی که اعتبار داده ایم و برای مفتشین تصویب کرده ایم بعضی را استثناء بکنیم از برای یک کاری غیر از آن که در تأسیسات محسوب میشود و اگر باید مبلغی برای اینکار تعیین شود اعتبار علیحده لازم است

مهرز المملک - اگر چه همین طور که آقای رئیس فرمودند مبلغی که آنجا نوشته شده است راجع است بماده دوم ولی چون این لایحه دو ماده بیشتر نیست و مخالفتهاییکه میشود راجع به مبلغ است و توضیحاً عرض میکنم که در ۲۳ جزو در یکی از لوابی که از مجلس گذشت هفت هزار تومان اعتبار داده شد که برای هیئت مامور تقطیش و نظارت در مالیه و در آن لایحه اینطور ذکر شد که این هیئت تقطیش میتواند مرکب باشد از مستخدمین ایرانی و خارجه و اگر مستخدمین اروپائی جدیدی هم لازم بشود باید کنترات آنها به مجلس بیاید و از تصویب مجلس بگذرد و این شخص که استخدام میشود از جمله مستخدمین است که باید از خارجه استخدام بشود و من نمیدانم چه فرقی دارد اینکه باشد با غیر آن و حقوق آنها که چهار هزار تومان با قدری کمتر که اینجا قید شده است هیچ مربوط بمجلس نیست که بمجلس بیاید برای اینکه این مربوط بآن شصت هزار تومان اعتباری است که داده شده است چیزیکه مجلس باید در آن مذاکره نماید دو چیز است یکی ملیت است و یکی سایر چیزهایی است که نوشته شده است غیر از حقوق بلکه ممکن بود هیچ اسمی برده نشود.

لواء الدوله - عرض کنم این مدرسه دارالفنون و مدرسه نظامی برای چیست که سالی مبلغی از دولت گرفته میشود و امروز یک نفر محاسب نداریم و باز محتاج میشویم بخارجه که هی از خارجه محاسب اداره کنند و تیر و شانه و هر چه بخواهیم بیاریم و بدیختی ما اینقدر است که هر چه خرج میکنیم امروز یک نفر نداریم که محاسبات وزارت پست و تلگراف را اداره کند همه ساله از مدرسه دارالفنون معلم بیرون می آید و الا در طهران قریب ۳۰۰ ۴۰۰ مدرسه است که هر کدام با نوزده ساله است که مشغول تدریس هستند خصوصاً مدرسه دارالفنون که تقریباً ۵ سال است دائر چه شده در این مدت یک نفر محاسب پیدا نشده است که محاسبات یک اداره را مرتب بکند و باز باید محتاج باشیم باینکه یک نفر محاسب بچهار هزار دلار یا تومان از خارجه استخدام کنیم حالا عرضم این است که آقای وزیر علوم هیچ توجهی باین مدارس ندارند یاخیر.

حاج وکیل الرعایا - تجربه بانسان داد

موقتی بود و باید بیش از اینها برای اداره تقطیشمان اعتبار بدیم و نباید این اعتبار را بکداریم بمصارف دیگر برسانیم.

حاج سید ابراهیم - بنده عرض میکنم بدیهی است شخصیه را که برای محاسبات اداره پست و تلگراف استخدام میکنیم یکی از مستخدمین تقطیش کل مالیه است و در تحت نظر مفتش کل خواهد بود و از همانجا که استخدام میشود برای همین عمل است یعنی این رشته از مالیه پس این اشکالی که آقای بهجت فرمودند ابدأ وارد نیست و بنده از اشخاصی بودم که آنوقت مخالف بودم ولی پس از این تحقیق معلوم شد دوست وهشتاد یا سیصد وهشتاد تومان در ماه حقوقش بوده و بنابراین چهار هزار تومان را زیاد نمیدانیم و گمان میکنم که موافق با صرفه باشد

رئیس - گویا مذاکرات در ماده دوم کافی باشد یک پیشنهادی از طرف آقای لواء الدوله شده است قرائت میشود در قابل توجه بودنش رای میگیریم (بمضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم که در ماهی دو پست و پنجاه تومان در حق محاسب پست و تلگراف برقرار شود.

رئیس - توضیح دارید بدیهه.

لواء الدوله - توضیح اینست که هر چه کمتر بدیم بهتر است.

وزیر مالیه - طرف هم باید راضی باشد والا شما پیشنهاد کنید پنجاه تومان اگر طرف قبول کند خوب است.

مهرز المملک - بنده هم همین فرمایش آقای وزیر مالیه را میخوانم عرض کنم اگر طرف راضی باشد خوب است.

رئیس - رای میگیریم در قابل توجه بودن پیشنهاد آقای لواء الدوله آقایان اینکه قابل توجه میدانند قیام کنند (قیام نکردند)

رئیس - قابل توجه نشد در ماده دوم رای میگیریم آقایان اینکه ماده دوم را تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - در کلیات مخالفی نیست؟

حاج سید ابراهیم - مخارج ذهاب و ایاب در جزء شرایط عمومی است ولی چون مستر نیو اینجا است باید معلوم شود که مخارج آمدن و رفتن هم باید با داده شود یاخیر.

رئیس - راجع بکلیات مذاکره میشود ماده اول و دوم تصویب شد عرض کردم که مذاکره در کلیات است.

کاشف - بنده خواستم نظر دولت را جلب کنم باین مسئله که در هر موقعی که میخواهند مستخدمین استخدام کنند هیچ نظری بباشرین ایرانی ندارند در صورتیکه بنده میدانم که خیلی اشخاص ایرانی هستند که در خارجه تحصیل کرده اند چه در ایران هستند و چه در استامبول یازده رشته های هندوستان و چین اینها تحصیلشان باندازه است که ما این مستخدمین را که حاجت داریم بتوانیم از آنها هم استفاده کنیم و هیچوقت دولت در این خیال نیفتاده است که قبلا اعلان کند که شاید خیلی مناسب تر باشد بحال مملکت اگر این نظر را داشته باشند خیلی خوب است.

رئیس - دیگر مخالفی نیست رای میگیریم

باین لایحه آقایانیکه این لایحه را تصویب میکنند ورقه سفید خواهند داد (اوراق رای اخذ و آقای حاج میرزا رضاخان احصاء نمودند)

رئیس - با اکثریت ۴۴ رای از ۷۶ نفر نمایندگان حاضر تصویب شد راپورت کمیسیون بودجه راجع باستخدام دو نفر بلژیکی برای گمرک قرائت میشود (بمضمون ذیل قرائت گردید)

دوقمره لایحه وزارت مالیه راجع به مسیو کرگر و مسیو بوتیو مستخدمین بلژیکی در گمرک مطرح مذاکره گردید وزارت مالیه نظر بلزوم استخدام این دو نفر اهمیت موقع خدمت آنان پیشنهاد نموده اند هر یک سه ساله به ترتیبی که ذیل نظر نمایندگان میگذرد استخدام شوند پس از مذاکرات لازمه و توضیحاتیکه وزارت مالیه در کمیسیون بودجه دادند کمیسیون متقاعد گردیده و پیشنهاد وزارت مالیه را تصویب مینماید فقط مدت کنترات را از سه سال بدو سال و نیم تغییر میدهند.

ماده - وزارت مالیه مجاز است دو نفر مستخدمین بلژیکی را بدست دو سال و نیم به ترتیب ذیل استخدام نماید مسیو دکر کرسال اول ۱۳۰۰۰ فرانک سال دوم ۱۴۰۰ فرانک سال سوم شش ماهه ۷۵۰۰ فرانک سال مسیو بوتیو سال اول ۹۰۰۰ فرانک سال دوم ۹۵۰۰ فرانک سال سوم ۶ ماهه ۵۰۰۰ فرانک.

رئیس - مذاکرات در کلیات است در کلیات مخالفی هست! (اظهاری نشد) مخالفی نیست رای میگیریم که داخل در جزئیات شویم آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نکردند)

رئیس - تصویب نشد - قانون انتخابات قرائت میشود (بمضمون ذیل خوانده شد) قانون انتخابات مجلس شورای ملی که شور اول آن در مجلس انجام یافته و بضمیمه پیشنهاد های چند بکمیسیون ارجاع شده بود تا نیا در کمیسیون در جلسات مقرر مطرح مذاکره گردید و بنا بر این که مقرر شده بود هیئت وزراء عظام هم نظریات خود را در این قانون اظهار دارند از طرف خود اشخاص مفصله الاسامی را معین کرده بودند حضرت والا فرمان فرما جنابان حاج محتمم السلطنه و علاء الدوله و سهام الدوله مسیو - دمرنی مستشار وزارت داخله لهذا در شور ثانی قانون انتخابات در کمیسیون با حضور و مشاوره آقایان مزبور واقع شده و راپورت آن بطوری است که بنظر نمایندگان محترم میرسد و محض تذکر خاطر آقایان عرض میشود که مواد قانونی این لایحه جز بعضی تغییرات مختصر که بنا بر پیشنهاد آقایان نمایندگان در آن داده شده است تفاوت زیادی نکرده است و لکن ترتیب حوزة بندی بواسطه نظریات حضرات نمایندگان دولت و نماینده مجلس شورای ملی بعد از زیاد صدها نمایندگان تغییرات کلی یافته چنانکه از ملاحظه حوزة بندیها استنباط میشود.

رئیس - رای می گیریم که داخل در شور دوم بشویم یا نه.

حاج آقا - در آن جلسه که قانون انتخابات جزء دستور بوده خاطر دارم هیئت وزراء در مجلس شورای ملی بودند و وزیر داخله از طرف هیئت وزراء تقاضا کردند که تا اینلایحه بنظر هیئت وزراء رسید و نظریات خودشان را بمجلس شورای ملی اظهار نمایند بمجلس نیاید و بنده عرض کردم بعضی دیگر هم فرمودند که چنانچه در پروگرام وزراء هست همه

باین لایحه آقایانیکه این لایحه را تصویب میکنند ورقه سفید خواهند داد (اوراق رای اخذ و آقای حاج میرزا رضاخان احصاء نمودند)

رئیس - با اکثریت ۴۴ رای از ۷۶ نفر نمایندگان حاضر تصویب شد راپورت کمیسیون بودجه راجع باستخدام دو نفر بلژیکی برای گمرک قرائت میشود (بمضمون ذیل قرائت گردید)

دوقمره لایحه وزارت مالیه راجع به مسیو کرگر و مسیو بوتیو مستخدمین بلژیکی در گمرک مطرح مذاکره گردید وزارت مالیه نظر بلزوم استخدام این دو نفر اهمیت موقع خدمت آنان پیشنهاد نموده اند هر یک سه ساله به ترتیبی که ذیل نظر نمایندگان میگذرد استخدام شوند پس از مذاکرات لازمه و توضیحاتیکه وزارت مالیه در کمیسیون بودجه دادند کمیسیون متقاعد گردیده و پیشنهاد وزارت مالیه را تصویب مینماید فقط مدت کنترات را از سه سال بدو سال و نیم تغییر میدهند.

ماده - وزارت مالیه مجاز است دو نفر مستخدمین بلژیکی را بدست دو سال و نیم به ترتیب ذیل استخدام نماید مسیو دکر کرسال اول ۱۳۰۰۰ فرانک سال دوم ۱۴۰۰ فرانک سال سوم شش ماهه ۷۵۰۰ فرانک سال مسیو بوتیو سال اول ۹۰۰۰ فرانک سال دوم ۹۵۰۰ فرانک سال سوم ۶ ماهه ۵۰۰۰ فرانک.

رئیس - مذاکرات در کلیات است در کلیات مخالفی هست! (اظهاری نشد) مخالفی نیست رای میگیریم که داخل در جزئیات شویم آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نکردند)

رئیس - تصویب نشد - قانون انتخابات قرائت میشود (بمضمون ذیل خوانده شد) قانون انتخابات مجلس شورای ملی که شور اول آن در مجلس انجام یافته و بضمیمه پیشنهاد های چند بکمیسیون ارجاع شده بود تا نیا در کمیسیون در جلسات مقرر مطرح مذاکره گردید و بنا بر این که مقرر شده بود هیئت وزراء عظام هم نظریات خود را در این قانون اظهار دارند از طرف خود اشخاص مفصله الاسامی را معین کرده بودند حضرت والا فرمان فرما جنابان حاج محتمم السلطنه و علاء الدوله و سهام الدوله مسیو - دمرنی مستشار وزارت داخله لهذا در شور ثانی قانون انتخابات در کمیسیون با حضور و مشاوره آقایان مزبور واقع شده و راپورت آن بطوری است که بنظر نمایندگان محترم میرسد و محض تذکر خاطر آقایان عرض میشود که مواد قانونی این لایحه جز بعضی تغییرات مختصر که بنا بر پیشنهاد آقایان نمایندگان در آن داده شده است تفاوت زیادی نکرده است و لکن ترتیب حوزة بندی بواسطه نظریات حضرات نمایندگان دولت و نماینده مجلس شورای ملی بعد از زیاد صدها نمایندگان تغییرات کلی یافته چنانکه از ملاحظه حوزة بندیها استنباط میشود.

رئیس - رای می گیریم که داخل در شور دوم بشویم یا نه.

حاج آقا - در آن جلسه که قانون انتخابات جزء دستور بوده خاطر دارم هیئت وزراء در مجلس شورای ملی بودند و وزیر داخله از طرف هیئت وزراء تقاضا کردند که تا اینلایحه بنظر هیئت وزراء رسید و نظریات خودشان را بمجلس شورای ملی اظهار نمایند بمجلس نیاید و بنده عرض کردم بعضی دیگر هم فرمودند که چنانچه در پروگرام وزراء هست همه

باین لایحه آقایانیکه این لایحه را تصویب میکنند ورقه سفید خواهند داد (اوراق رای اخذ و آقای حاج میرزا رضاخان احصاء نمودند)

رئیس - با اکثریت ۴۴ رای از ۷۶ نفر نمایندگان حاضر تصویب شد راپورت کمیسیون بودجه راجع باستخدام دو نفر بلژیکی برای گمرک قرائت میشود (بمضمون ذیل قرائت گردید)

دوقمره لایحه وزارت مالیه راجع به مسیو کرگر و مسیو بوتیو مستخدمین بلژیکی در گمرک مطرح مذاکره گردید وزارت مالیه نظر بلزوم استخدام این دو نفر اهمیت موقع خدمت آنان پیشنهاد نموده اند هر یک سه ساله به ترتیبی که ذیل نظر نمایندگان میگذرد استخدام شوند پس از مذاکرات لازمه و توضیحاتیکه وزارت مالیه در کمیسیون بودجه دادند کمیسیون متقاعد گردیده و پیشنهاد وزارت مالیه را تصویب مینماید فقط مدت کنترات را از سه سال بدو سال و نیم تغییر میدهند.

ماده - وزارت مالیه مجاز است دو نفر مستخدمین بلژیکی را بدست دو سال و نیم به ترتیب ذیل استخدام نماید مسیو دکر کرسال اول ۱۳۰۰۰ فرانک سال دوم ۱۴۰۰ فرانک سال سوم شش ماهه ۷۵۰۰ فرانک سال مسیو بوتیو سال اول ۹۰۰۰ فرانک سال دوم ۹۵۰۰ فرانک سال سوم ۶ ماهه ۵۰۰۰ فرانک.

رئیس - مذاکرات در کلیات است در کلیات مخالفی هست! (اظهاری نشد) مخالفی نیست رای میگیریم که داخل در جزئیات شویم آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نکردند)

رئیس - تصویب نشد - قانون انتخابات قرائت میشود (بمضمون ذیل خوانده شد) قانون انتخابات مجلس شورای ملی که شور اول آن در مجلس انجام یافته و بضمیمه پیشنهاد های چند بکمیسیون ارجاع شده بود تا نیا در کمیسیون در جلسات مقرر مطرح مذاکره گردید و بنا بر این که مقرر شده بود هیئت وزراء عظام هم نظریات خود را در این قانون اظهار دارند از طرف خود اشخاص مفصله الاسامی را معین کرده بودند حضرت والا فرمان فرما جنابان حاج محتمم السلطنه و علاء الدوله و سهام الدوله مسیو - دمرنی مستشار وزارت داخله لهذا در شور ثانی قانون انتخابات در کمیسیون با حضور و مشاوره آقایان مزبور واقع شده و راپورت آن بطوری است که بنظر نمایندگان محترم میرسد و محض تذکر خاطر آقایان عرض میشود که مواد قانونی این لایحه جز بعضی تغییرات مختصر که بنا بر پیشنهاد آقایان نمایندگان در آن داده شده است تفاوت زیادی نکرده است و لکن ترتیب حوزة بندی بواسطه نظریات حضرات نمایندگان دولت و نماینده مجلس شورای ملی بعد از زیاد صدها نمایندگان تغییرات کلی یافته چنانکه از ملاحظه حوزة بندیها استنباط میشود.

رئیس - رای می گیریم که داخل در شور دوم بشویم یا نه.

حاج آقا - در آن جلسه که قانون انتخابات جزء دستور بوده خاطر دارم هیئت وزراء در مجلس شورای ملی بودند و وزیر داخله از طرف هیئت وزراء تقاضا کردند که تا اینلایحه بنظر هیئت وزراء رسید و نظریات خودشان را بمجلس شورای ملی اظهار نمایند بمجلس نیاید و بنده عرض کردم بعضی دیگر هم فرمودند که چنانچه در پروگرام وزراء هست همه

تصویب کردند باید نظریات هیئت دولت هم در آن شده باشد که بعد وقتی که شروع میکنیم دومرتبه دچار یک ترتیب تمویضی نشده باشیم که حالا بنده نمیدانم نظریات دولت در آن بعمل آمده است یا خیر اگر هنوز نظریات هیئت دولت تقاضا کردند باشد با نظریات دولت در آن شور شود آنوقت داخل شور بشویم والا اگر همینطور داخل شور شویم دومرتبه دچار یک اشکال تمویضی خواهیم شد.

رئیس - آنروزی که آقای وزیر داخله تقاضا کردند پنج شش روز مهلت خواستند و هفت روز گذشته دستور هم چند روز قبل برای هیئت وزراء فرستاده شده و میداند که امروز مطرح میشود تلمون هم بایشان شده است که تشریف بیاورند و تشریف خواهند آورد.

وزیر پست و تلگراف - آقای وزیر داخله گرفتاری داشتند و خواهند آمد و کلیه نظریات دولت موافق است با همان رأی که مجلس داده است که انتخابات یکدرجه باشد ولی بواسطه اینکه اماله مشکل است انتخابات یکدرجه کاملاً پیشرفت کند نظر دولت اینست که حتی المقدور سعی شود که انتخابات آنجاها یکبه بالنسبه شهر است حتی شهرهای کوچک مرکز انتخابات همان جاها باشد که بتوانند زودتر و کلاه را انتخاب کنند و زودتر بفرستند به مرکز و مجلس زودتر تشکیل بشود که تأخیر نیفتد.

رئیس - این اظهار را در موقع خودش بفرمائید حالا رأی میگیریم که داخل در شور دویم بشویم یا نشویم آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (اکثر قریب با اتفاق قیام کردند)

رئیس - تصویب شد ماداً اول دویم میماند برای بعد از آنکه در سایر مواد مذاکره شد داخل شور این دو ماده بشویم عجالاً در ماده سیم مذاکره میشود (ماده سیم بعبارت ذیل خوانده شد)

ماده ۳ - انتخاب کنندگان باید دارای شرایط ذیل باشند:

- ۱- تبعه ایران باشند ۲ - لااقل ۲۰ سال داشته باشند ۳ - در حوزه انتخابیه متوطن یا لااقل از ۶ ماه قبل از موقع در آنجا ساکن باشند ۴ - لااقل دارای یکصد و پنجاه تومان علاقه ملکی یا سالیانه ۵ تومان مالیات بده باشند یا ۳۶ تومان عایدی سالیانه داشته باشند - محصلین مدارس از آن شرط چهارم معاف میباشند.

حاج سید ابراهیم - بنده این شرط چهارم را هیچ فایده برایش نمی بینم که اشخاصی که تفرقه میگیرند دارای این شرایط باشند بجهت اینکه مقصود آن کسی است که حق انتخاب کردن ورای دادن را دارد یعنی تفرقه بگیرد و ورقه رأی بدهد همچو کسی را نباید قید کرد که علاقه یا فلاقت عایدی داشته باشد یا پنج تومان مالیات بده باشد این هیچ منفعتی ندارد خصوصاً در مملکت اسلامی در حقوق اشرافی و این هیچ شرط نیست فلسفه اینرا آقای مخبر بفرمایند و الا من هیچ قانع نمیشوم و فایده ندارد.

مخبر کمیسیون (ذکاء الملک) - در شور اول در اینباب بقدر کفایت مذاکرات شد عرض کردم مقصود این نیست که غنی و متمول را دارای حق انتخاب و فقیر را بی حق کنند مقصود از این توضیح

شرطی است که در ماده بعد هست که اشخاصیکه متکدی هستند و بواسیل بی شرفانه زندگانی می کنند حق انتخاب کردن نداشته باشند این صفت نبوتی و آنهم صفت سلبی او است و در واقع قرار داده بودیم که ما یکصد و پنجاه تومان علاقه ملکی یا ۳۶ تومان عایدی سالیانه داشته باشند یا ۵ تومان مالیات بده باشند این را در واقع جزء شرط تمول نمیتوان محسوب داشت فقط این شرط یک تعرفه است که برای او قرار داده ایم.

حاج شیخ اسدالله - در آن شور عرض کردم در اینجا هم عرض میکنم که هم در منتخب هم در منتخب باید قید شود که تبعه ایران باشد و در تحت حمایت خارجه نباشد و در آنجا پیشنهاد شد نمیدانم که کمیسیون چه در نظر داشته است آن پیشنهاد را جزء این راپورت به مجلس نیاورده است اشخاصیکه در تحت حمایت خارجه هستند علاوه بر اینکه حق انتخاب شدن ندارند حق انتخاب کردن را هم ندارند اشخاصیکه معین شده که در تحت حمایت خارجه هستند از این حقوق ملیه باید محروم باشند و یکی از آنها همین رأی دادن و حق انتخاب است بنده مقیده ام اینست که همچنانکه حق انتخاب شدن ندارند حق انتخاب کردن هم نباید داشته باشند این عقیده بنده است و کتیباً پیشنهاد و تقدیم میکنم که باید از تبعه ایران باشند.

ذکاء الملک - این شرط هیچ راجع باین ماده نیست این پیشنهاد شده بود در شور اول در کمیسیون هم مذاکره شد و لکن اعضاء کمیسیون بالاتفاق رأی دادند که نباید هیچ این پیشنهاد را طرف توجه قرار داد بواسطه این یک امری است که در واقع ما تصدیق نمیکنیم وقوعش را و امری را تصدیق نمیکنیم وقوعش را چرا آن را طرف توجه و مذاکره قرار بدهیم و خواهش میکنم که آقای حاج شیخ اسدالله هم پیشنهاد نکنند.

ادیب التجار - بنده در شور اول در این ماده یک پیشنهادی تقدیم مجلس شورای ملی کردم و حالا میبینم که در چهار موقعیکه باید بنویسند ننوشته اند و آقای مخبر اظهار کردند که کمیسیون همچو صلاح دیده اند بنده باز عرض میکنم که مخالف باین ترتیب و خاطر آقایان نمایندگان را جلب میکنم باین نکته که اگر آقای مخبر این مطلب را قبول نمیکند و بهمین متمسک شوند و دلیل بیاورند بنده عرض میکنم باید به تمسک مملکت نگاه کرد میبیند که بخیلی چیزها تمسک و متمسک میشوند و بهمین عنوان بعضی محظورات پیش میآید اشخاصی هستند که در تحت حمایت و در تحت تأمین خود را بداند این اشکال پیش میآید اگر چه شما تصدیق ندارید و تصور نمیکند ولی هر وقت بخواهید ممکن است این کلمه را از اینجا بردارید هیچ وقتی این اختیار را از دست شما نکرفته اند هر وقت شما حق دارید یک تجدید نظری بکنید هر وقت که شما محتاج این نشدید حق دارید این را از این جا بردارید و بنده الان آن پیشنهاد را تجدید میکنم.

حاج وکیل الرعایا - بنده گمان میکنم برای اظهارات اخیر جوابی حاضر نکرده ام ولی همان طوریکه آقای مخبر جواب دادند آنرا کافی میدانم و در خصوص این که بعضی ایراد کردند که

چرا باید یک قیدی داشته باشد یا این که یک عایدی یا مالیاتی داشته باشد این برای اینست که بقدر مخارج یک چیزی برای او باشد و همینقدر منظور شده است بنده موافق بودم و فقط همان طوریکه آقای مخبر فرمودند کافی میدانم و گمان میکنم که اینها یک موهوماتی است که میخواهند داخل نمایند و شاید که در این مملکت چندان واقعت نداشته باشد.

سلیمان میرزا - در مملکتیکه حکومت ملی اعلان میشود انتخاب یکی از حقوق عمومی است و هیچ کس را نمیشود از آن حق بسی بهره کرد و باید بطور کلی و بدون قید حق انتخاب داشته باشد و بتواند انتخاب نمایند با وجود این که میفرمایند که این قید چندان طرف توجه نیست و این ۱۵۰ تومان علاقه یا پنج تومان مالیات یا ۳۶ تومان عایدی سالیانه در شهر یا پایتخت و سایر شهرهای عمده گویا چندان اهمیتی نداشته باشد اما اگر یک قدری بطرف سایر بلوکات و شهرهای دور دست نگاه کنیم میبینیم این یک چیزی است که خیلیها ندارند کسانی که سی و شش تومان عایدی سالیانه یا صد و پنجاه تومان علاقه یا پنج تومان مالیات بده باشند جزء متمولین محسوب میشوند پس در حقیقت ما جزء عمده مملکت را که فقراء هستند میتوانیم بگوئیم از این حق انتخاب با این چند قیدی که در نظر سهل می آید بی بهره کرده ایم و تمام اشخاص فقراء و ضعیف بی بهره میشوند در صورتی که قانونیکه از مجلس می گذرد و برای مملکت با کثرت وضع میشود در حق آنها هم مجری میشود اگر بنا شد آن فقیر و ضعیف یک تصصیری بکنند آیا مطابق همان قانون جزائی که از مجلس گذشته است مجازات میشود یا نه اگر کسیکه یکصد و پنجاه تومان کمتر علاقه ملکی داشته باشد یا کمتر از پنج تومان مالیات بده باشد آیا در این مملکت مطابق سایر قوانین محکوم خواهد شد یا خیر پس در کمتر از پنج تومان را باید بدهد یا خیر پس در این صورت باید آنکس خودش در موضوع آقوانینی که در حق او مجری می شود سهیم و شریک باشد تا بصره و صلاح خودش رأی بدهد و وکیل انتخاب بکند که حقوق او را حفظ کند و باید ملاحظه حال او را هم بکنند و فقط در این قانون ملاحظه حال کسانی که دارای این قیود هستند شده است و بنده با تمام این قیود مخالف هستم و انتخابات را یکی از حقوق مسلمة ملی میدانم و همه بلااستثناء در حق انتخاب مساوی هستند و باید در آن شرکت داشته باشند و مخالف با این ماده هستم.

مهرزاد الملک این ماده چون شامل چند فقره است خوب است در فقرات او یکی یکی مذاکره شود **رئیس** - این وقتی ممکن است که قبل از وقت اسامی مخالفین و موافقین نوشته شود اگر بنا شود در بین جلسه اجازه بخواهند تشخیص آن خیلی مشکل است.

مهرزاد الملک - عرض بنده هم راجع بآن قسمتی است که شاهزاده سلیمان میرزا مخالف بودند بنده موافقم نه این است که ما میخواهیم یک عده از مردم را از انتخاب محروم کنیم و یا اینکه میخواهیم آن

طوری که در بعضی جاها میکنند بتولین حق رأی بدهیم اگر ما دارائی را یکی از شرایط قرار میدادیم آنوقت حق این اعتراض بود ولی هیچ با این عقیده شریک نیستیم که یک طبقه کوچکی را که حق سیاسی در مملکت داشته باشند از انتخاب محروم کنیم اینطور نیست ولی چیزی که هست در آن شرایطی که بعد خواهد آمد که یک عده را محروم میکنند از انتخاب کردن منجمه از آن شرایطی گذران کردن از راه تکدی است یا از راههایی که اسباب بی شرفی است اگر مادقت کنیم در این ماده می بینیم که ما میگوئیم کسانی باید باشند که با ۱۵۰ تومان علاقه داشته باشند یا در سال ۳۶ تومان عایدی یعنی روزی یک قران داشته باشند یا پنج تومان مالیات بده باشد اگر تمام این سه شرط را میگردیم باز یک قدری ایراد شاهزاده وارد بود ولی اگر اینطور باشد دامنه را بطوری وسیع میکنند که خیلی کم اتفاق می افتد اشخاص را از انتخاب بی بهره بکنند ولی آن کسانی که کمتر از ۳۶ تومان عایدی یعنی روزی یکقران سالیانه داشته باشند که گذران بکنند نه در طهران بلکه نظرم میآید که در سایر جاها و دهات نباشد اگر باشد آیا اینها فرصت یا فراغت این را دارند که بیابند تعرفه بگیرند و رأی بدهند و آنکھی خود این دارای یک حکمتی است که آن کسیکه حق انتخاب کردن را دارد و حق این را دارد که ورقه را بردارد و رو میزند پسندازد علاوه این حق با کسی است که بقدر خودش یک قسمت از آتیه مملکت در دست او است و باید یک قدری ذیقعت باشد و یک علاقه کمی با این آب و خاک داشته باشند و بتوان اینحق را بآن ها سپرد پس فلسفه وجهت لزوم این ماده اینست که عرض کردم و این ماده سبب محروم کردن یک عده زیادی نخواهد شد و اگر اینطور نباشد یک عده خیلی کثیری منتخب خواهند شد

دکتر حاج رضاخان - در اینجا از آقای مخبر خواستم سؤال کنم که این ۳۶ تومان بهمین است و تفصیل بردار نیست معلوم نیست که عایدات کدام است مقصود از این چیست آیا این عایدی عایدی ثابت است یا عایدی مزدوری است یا ملکی است یا از قبیل مستمری و مواجب است خودشان تصدیق میکنند که متکدیان محروم هستند در صورتیکه متکدیا محروم باشند این فقره اگر برای مردمانی است که گذرانشان از طریق بی شرفی است که باید این قید حذف شود و اگر خیر واقعاً اهمیت میدهند که یکصد و پنجاه تومان علاقه ملکی یا پنج تومان مالیات بده یا سی و شش تومان سالیانه عایدی داشته باشد بنده عرض میکنم که در این شهرهای بزرگ هم خیلی کم است کسی که صد و پنجاه تومان علاقه ملکی داشته باشد اولاً از هزار نفر هشتصد نفرش دارای یکصد و پنجاه تومان علاقه ملکی نیست و نباید اینقدر اهمیت فوق العاده داد که دارای صد و پنجاه تومان علاقه باشد دیگر اینکه آندهم هم عرض کردم که این صد و پنجاه تومان علاقه ملکی یا پنج تومان مالیات یا سی و شش تومان عایدی متناسب نیست بجهت اینکه البته میدانید که مالیات مستقیم است و مالیات مستقیم در ایران هم میدانید که کسیکه دارای یکصد و پنجاه تومان علاقه باشد پنج تومان مالیات بده نخواهد بود پنج تومان مالیات از برای دو هزار و سه هزار

تومان تمول است لااقل برای پانصد تومان تمول است و این چیزی که اینجا نوشته شده است غیر متناسب است تا آنجا که روزی یکقران تحصیل میکنند ولو بجزدوری باشد تحصیل میکنند دیگر لازم نیست که دارای یکصد و پنجاه تومان علاقه ملکی باشند و محتاج باین قید در اینجا نیستیم که یک راهی را بدست اشخاص ظنین بدهیم و دیگر در خود متکدیان هم بنده معنیش را نمی فهمم برای متکدیان از دو حال خارج نیستند یا عاجزند نمیتوانند کار بکنند یا میتوانند آنها که عاجزند و حقیقتاً آنها قابل رعایت شده اند هیچ دلیل ندارد که ما آنها را محروم بکنیم بجهت آنکه آنها اتفاقاً عاجزند و باید بآنها چیزی داد خود متکدیان هم اینجا بی انصافی است و هیچ صلاح نیست که یک عده را اینجا بی شرف محسوب داشت و از این حق محروم کرد.

ذکاء الملک - اولاً توضیحاً عرض میکنم این عایدی سی و شش تومان مقید نیست هر عایدی مشروعی داشته باشد در سال سی و شش تومان یعنی روزی یکقران ذیقعت خواهد بود در آن صورت خودشان تصدیق فرمودند همه کس ذیقعت خواهند بود در رأی دادن بوجوب این ماده دیگر اینکه اشتباهی شده است بر ایشان میفرمایند خیلی کم هستند اشخاصی که یکصد و پنجاه تومان علاقه ملکی داشته باشند و بنابراین عده رأی دهندگان را خیلی کم میدانم و حال اینکه نوشته شده است یا یکصد و پنجاه تومان علاقه ملکی داشته باشد بعد اگر ایهم نشد پنج تومان مالیات بده باشد اگر هیچکدام این دو نشد سی و شش تومان عایدی سالیانه داشته باشد یا هم کافی است این اشتباه شده است و همانطوری که عرض شد قصد بنده و کمیسیون این نیست که اشخاص از افراد ملت از انتخاب محروم باشند این شرایط نظر باین شده است که در واقع هیچکس را محروم نکنند مگر کسانی را که عرض کردم متکدیان یا کسانی که نمیتوانند بشمارند یک همچو عایدی دارند و حالا معذک اگر میفرمائید این فقره چهارم نوشتنش در این ماده لازم نیست این یک اعتقادی است بنده هم لجاج نمیکنم که باشد یا نباشد و اما در خصوص متکدیان اولاً جایش اینجا نیست و بنده هم مبالغه او را جایز نمیدانم.

رئیس - آقایان مذاکرات را کافی نمیدانند (گفتند کافی است) چهار فقره پیشنهاد شده قرائت میشود در قابل توجه بودنش رأی گرفته می شود.

(اول پیشنهادی از طرف آقای ادیب التجار بعبارت ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم جمله اول از ماده (۳) بقسم ذیل نوشته شود.

(۱) تبعه ایران باشند و در تحت حمایت خارجه و دارای تأمین از خارجه نباشند (د) هم از طرف آقای صدر العلماء بعبارت ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم در ماده (۳) بدون لفظ محصلین مدارس نوشته شود (سیم از طرف آقای حاج سید ابراهیم بعبارت ذیل قرائت گردید)

بنده پیشنهاد میکنم که شرایط ماده (۳) اینطور نوشته شود.

(۱) تبعه ایران (۲) لااقل بیست سال داشته باشند (۳) در حوزه انتخابیه متوطن یا لااقل ششماه

قبل از موقع در آنجا ساکن باشند (چهارم پیشنهادی از طرف شاهزاده سلیمان میرزا بعبارت ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم که ماده (۳) بدون قید چنین نوشته شود.

ماده (۳) انتخاب کنندگان باید دارای شرایط ذیل باشند

(۱) تبعه ایران باشند (۲) لااقل بیست سال داشته باشند (۳) در حوزه انتخابیه متوطن یا ششماه لااقل قبل از موقع در آنجا ساکن باشند.

رئیس - پیشنهاد شاهزاده سلیمان میرزا حاج سید ابراهیم در واقع یکی است اول در پیشنهاد آقای ادیب التجار رأی میگیریم توضیح دارید بفرمائید.

ادیب التجار - مجلس شورای ملی مکان مقدسی است که در آنجا وضع قوانین یک مملکتی میشود شخصیکه اینقدر پیشرف باشد که دارای تأمین باشد یا اینکه در تحت حمایت خارجه خود را بداند هر چه هرگز تصدیق نمیکنم و چنین شخص از تبعیت ایران خارج نیست مهمان چون متمسک باین تشریح میشود از این شرف ملی محروم است همچنین است انتخاب کننده که راجع است باین جمله و این قبیل اشخاص را بنده لایق نمیدانم منتخب شوند و هم در مجلس که حافظ ناموس مملکت است و وضع قوانین مملکت در او میشود در آنجا به نشینند و وضع قوانین برای مملکت بکنند و کسیکه در تحت حمایت خارجه خود را شناساند و بداند لایق بعضویت مجلس نیست.

رئیس - آقای مخبر قبول دارند این پیشنهاد را.

مخبر - خیر نمیتوانم قبول کنم.

محمد هاشم مرزبا - بنده در همه این پیشنهادها عرض دارم چون اعضاء کمیسیون هستم اما در پیشنهاد آقای ادیب التجار چنانچه گفته شد در تحت حمایت خارجه هیچ عنوان ندارد و ما هیچکس را باین ترتیب نمیشناسیم ما تمام مردم ساکنین ایران را تبعه ایران میدانیم مگر اینکه محقق و معلوم شود که تبعه دیگری است و هیچوقت دولت ایران کسی را باین سمت نمیشناسد اگر اجازه بدهند در باقی پیشنهادها هم عرض کنم.

رئیس - رأی میگیریم در قابل توجه بودن این پیشنهاد

بجهت - عرض میکنم اصلش نمیشود رأی در این پیشنهاد بگیریم برای اینکه یک چیزی که نفی و اثباتش هر دو غلط است چطور میشود رأی گرفت پس باید اول رأی گرفت که رأی بگیریم یا نگیریم.

رئیس - دور نیست در اینموقع هم بفرمائید که در نفی و اثبات رأی بگیریم رأی میگیریم در این پیشنهاد آقای ادیب التجار آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام نمایند (کسی قیام نکرد)

رئیس - قابل توجه نشد رأی میگیریم پیشنهاد آقای صدر العلماء.

صدر العلماء - بنده پیشنهاد خودم را مسترد میدارم.

حاج شیخ اسدالله - بنده این پیشنهاد را اختیار میکنم.

رئیس - توضیح دارید بدهید .
شیخ اسدالله - این پیشنهاد که شده است راجع بمحصلین مدارس است که آنها را از این قید مستثنی کرده است بنده در حقوق ملی هیچ فرقی نمی بینم در شاگردان مدارس و غیر شاگردان مدارس تمام مساوی هستند در حقوق ملی همان نظری که بشاگردا مدارس هست همان نظر هم نسبت بادی ترین فقرای مملکت هست این حق حاکمیت را همه دارند چطور میشود یک کسی را از آن قید مستثنی کرد و دیگری را مستثنی نکرد بنده این پیشنهاد را قبول دارم واستدعا دارم کمرای بگیرد.
ذکاءالملک - بنده ملتفت نشدم آقای حاج شیخ اسدالله که این پیشنهاد را قبول کردند نظر بتوسیع حق رای دارند یا به تضییق ما که این را قبول کردیم نظر بتوسیع داشتیم برای تشویق به تحصیل این قید را کردیم بجهت اینکه اگر این قید را بر میداشتیم جمعی که تحصیل میکردند از حق انتخاب محروم میشدند بجهت اینکه ما اینجا نوشتیم که این اشخاص با صد و پنجاه تومان علاقه ملکی یا ۳۶ تومان عایدی در سال یا پنج تومان مالیات بده باشند حالا اگر اهل علم و محصل باشند این قید را بر میداریم که آنها هم که دارای این شرایط هستند از اینسحق محروم میمانند زیرا مشغول تحصیل هستند .

رئیس - رای میگیریم مقابل توجه بودن این پیشنهاد آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام نمایند (کسی قیام نکرد)
رئیس - قابل توجه نشد پیشنهاد شاهزاده سلیمان میرزا و حاج سید ابراهیم یکی است مقصود این است که شرط چهارم حذف شود توضیح اگر دارید بفرمائید .

سلیمان میرزا - بنده وقتیکه مخالف بودم و دلایل مخالفتم را که عرض کردم یکقدری توضیح این مسئله بشود عرض کردم که حقوق حاکمیت از برای عموم است و هیچ تفاوتی مابین فقیر و غنی نیست و علاقه هم علاقه کلی نیست اگر تصور شود علاقه ملک است مأمیناً مبینین آن اشخاصی که در مشروطه خواهی جانپازی کردند اگر احصایه آنها را در دست میداشتیم میدیدیم که تمام فقراء و ضعفاء بودند ک کشته شدند و اشخاص متول کشته نشدند و بچنگ زرفتند و هر زحمتیکه باشد فقراء و ضعفاء متحمل می- شوند هر ظلم و تعدی که هست بیشتر از سایرین بآنها میرسد یعنی حکومت ملی را که میخواهد بدست بگیرد آنها هم شرکت داشته باشند که بتوانند آنها هم حکومت را در دست داشته باشند بنا بمصلحت و تقاضای حال خودشان در آنجا حق رای داشته باشند و رای بدهند از طرف دیگر اگر درست دقت بکنیم می بینیم قانون اساسی ما چیزی را که مخالفت صریح باقانون اسلام دارد منع میکند و بنیاد مخالف قانون اسلام رای داد هر آینه اگر این قانون ما در صدر اسلام و در زمان حضرت امیر علیه السلام بود حضرت امیر و بسیاری از صحابه خاص مطابق این قانون از این حق محاف و محروم بودند بجهت اینکه حضرت امیر از همه کس فقیر تر بودند و هر چه داشتند

بذل و انفاق بر مردم میکردند وغالباً امر معاش شان به سختی میکشد و چیزی نداشتند و بیغمیر صلی الله علیه و اله میفرمایند الفقر فخری پس فقر دلیل محروم بودن از حقوق ملیت نیست هر کس از فقیر و غنی حق دارند که انتخاب کنند و ما می بینیم که در راه مشروطیت و آزادی بیشتر از همه فقراء زحمت می- کشند پس باید در حکومت ملی هم فقراء بیشتر از همه فایده ببرند یا لاقول مساوی باشند این است که بنده این شروط صد و پنجاه تومان علاقه ملکی و پنج تومان مالیات بدهی ۳۶ تومان عایدی را در سال زیاد میدانم زیرا ممکن است اشخاصی باشند که در روز بادهاشی گذران کنند چه ضرری دارد که همچو آدمی شریک باشد در رای دادن و حق انتخاب داشته باشد و باید هم انصافاً و وجداناً داشته باشند
حاج سید ابراهیم - عرض کنم بنده یک مثال واضح تری میگویم که از آن مثال معلوم شود که خیلی از اشخاص محروم میشوند از این حقوق و آن اشخاصی هستند که در نفقه پدرشان هستند و سی و شش تومان عایدی ندارند و پنج تومان مالیات بده هم نیستند ولو اولاداغنیاء هم باشند و نمیشود گفت صد و پنجاه تومان علاقه ملکی دارند یا پنج تومان مالیات بده است یا روزی یک قران عایدی دارد پس در اینصورت غالب جوانها را ما محروم میداریم این شرط را اگر برداریم بهتر است زیرا هم فقراء و هم اغنیاء هر کس در ایران همیشه میکنند البته حق انتخاب دارند .

رئیس - این پیشنهاد را آقای مغیر قبول دارند یا خیر
ذکاءالملک - بنده از طرف کمیسیون نمیتوانم رای بدهم در این باب بهتر اینست که از طرف مجلس تصویب شود .

رئیس - آقای میرزا مرتضی قلی خان هم پیشنهاد کردند که تجزیه شود یعنی قسمت اول و دوم و سوم را علیحده و فقره چهارم را علیحده بعد از آنکه در قابل توجه بودن این پیشنهاد رای گرفتیم آنوقت در این پیشنهاد آقای میرزا مرتضی قلیخان مذاکره میکنیم و رای میگیریم .

آقای میرزا مرتضی قلیخان - چون مقصود تسریع دادن در قانون انتخابات است و اگر قابل توجه بشود باید برگردد بکمیسیون باین جهت بنده تقاضا کردم و این پیشنهاد را نمودم برای اینکه این سه فقره را که قبول دارند اول آن سه فقره را رای بگیریم بعد جزو اخیر را رای بگیریم که اگر رد شد در تانی باید مذاکره شود . و اگر رد شد آنوقت محل قبول شده است .

رئیس - نمیشود چیزی که قابل توجه نشود در آن رای گرفت باید اول قابل توجه بشود آنوقت باید رای گرفته شود حالا رای میگیریم پیشنهاد شاهزاده سلیمان میرزا و آقای حاج سید ابراهیم آقایانی که قابل توجه میدانند قیام نمایند .
 (اغلب قیام نمودند)
رئیس - قابل توجه شد پس این ماده میماند ده دقیقه تنفس است بعد ماده (۴) مطرح میشود (در این وقت تنفس شده و پس از یک ربع ساعت مجدداً مجلس تشکیل شد) .

معاون وزارت معارف - نظر آقایان هست که در چند روز قبل در لایحه مدارس ابتدائی که پنج مدرسه برای طهران و چهار مدرسه برای ایالات رای دادند در آماده که راجع بود چه بود عبارت طوری نوشته شده است که درست معلوم نمیکند که این مبلغ برای ماه است یا سال باید عبارت طوری نوشته شود که درست مطلب معلوم شود عبارت اینطور نوشته شده است که برای هر یک باب از پنج مدرسه طهران دوست و پنجاه تومان که میشود هزار و دوست و پنجاه تومان و برای مدرسه هر الائی دوست تومان که هشتصد تومان میشود از طرف دولت داده خواهد شد دیگر ذکر نشده است که این مبلغ در ماه است یا در سال البته در ماه است ولی باید تصریح شود که مطلب واضح باشد .
رئیس - آنوقت که مذاکره میشد در مذاکرات شفاهی هم لفظ ماهیانه ذکر شد ولی در پیشنهادی که شد لفظ ماهیانه افتاده بود ما هم که نمیتوانستیم در پیشنهاد تغییری بدهیم و گمان میکنم که مخالفی نباشد در این مطلب اگر مخالفی باشد رجوع میکنیم بکمیسیون .
 (اظهار شد که ماهیانه صحیح است) .

رئیس - پس اگر مخالفی نیست همین توضیح کافی است .
 (گفتند صحیح است) .

رئیس - پس این اشکال هم رفع شد ماده چهارم قانون انتخابات (گفتند صحیح است) .
 (ماده چهارم بعبارت ذیل قرائت شد) .
 ماده چهارم - کسانی که از حق انتخاب کردن محرومند .

۱ - نسوان ۲ - اشخاص خاراج از رشد و آتهائی که در تحت قیمومیت شرعی هستند ۳ - تبه خارجه ۴ - اشخاصیکه خروجشان از دین حنیف اسلام در حضور یکی از حکام شرع جامع شرایط بیثوت رسیده باشد ۵ - اشخاصی که کمتر از ۲۰ سال دارند ۶ - ورشکستگان بتقصیر ۷ - متکدیان و اشخاصیکه بوسائل بيشرفانه تحصیل معاش مینمایند ۸ - مرتکبین بقتل و سرت و مقصرینی که مستوجب مجازات قانونی اسلامی شده اند و معروفین بارتکاب قتل و سرت و امثال آن که شرعاً برائت خود را حاصل نکرده باشند ۹ - اهل نظام بری و بحری باستثنای صاحبمنصان افتخاری ۱۰ - مستخدمین امنیه و نظمی در محل خدمت .

رئیس - در فقره اول ماده (۴) مخالفی هست (مخالفی نبود)
رئیس - در فقره دویم مخالفی هست نیست .

آقای محمد رضای همدانی - در فقره که نوشته شده اشخاصیکه خروجشان از دین حنیف اسلام در محضر یکی از حکام شرع به بیثوت رسیده باشد بنده عرض میکنم خوب است که دین فقره تبدیل شود با اشخاصیکه معروف بخروج از این اسلام هستند بجهت اینکه کمتر واقع میشود که کسی از این اسلام خارج بشود و اگر هم خارج شده باشند کمتر میشود که بتوانند برود در محضر حکام شرع و ثابت کنند پس اگر میخواهد که این مطلب باشد تبدیل

کنند با اشخاصیکه معروف باشند بخروج از دین اسلام و الا هیچوقت در حضور حاکم شرع معلوم نشد که کسی خارج از دین اسلام شود این هیچ فایده ندارد بفقیده بنده تبدیلش بهتر است .

ذکاءالملک - خیلی چیزهاست که باطناً انسان میدانند که خوب نیست و اشخاصیکه دارای این صفات هستند نباید حق انتخاب داشته باشند ولی حرف در قانون است در قانون که یک شرط می نویسیم از برای داشتن یک حق یا سلب حق باید یک طوری باشد که شخصی باشد و برای هر کس سهولت داشته باشد بجهت اینکه قانون امر است و نهی و امر و نهی باید تفاوت داشته باشد با موعظه و نصیحت وقتی که امر میکنم یک چیزی را باید طوری باشد که بتوان بترتیب صحیحی او را ثابت کرد و ترتیب اثر باو داد بهمچنین نهی حالا اینجا مخصوصاً نوشته شده است که باید ثابت شده باشد بجهت این که اگر ثابت نشده باشد چطور میتوانیم یک کسی را محروم بکنیم از حق انتخاب کردن یا انتخاب شدن حالا بفرمائید بیثوت او را محروم کنیم به چه دلیل اگر حق باینثوتش است که ما نوشته ایم باینثوت اگر بخوایم از بیثوت یا بمانرا بگذاریم خیلی اسبابها میتوان فراهم آورد و مادام العمر بعضی را محروم کنیم آنوقت مردم امیدوار میشوند و اسناد و تقنین میکنند و بعضی اتهامات فراهم میآورند این ملاحظاتی را باید در قانون نویسی کرد که دچار اشکال نشویم و برای حاصل شدن بعضی فوائد مفاسد دیگر بروز میکند .

رئیس - دیگر در فقره چهارم مخالفی نیست .

حاج آقا - بله نظرات کمیسیون را که مخبر محترم فرمودند معلوم است که بهمین نظر بوده است همه ملتفت بودند و بهمین نظر هم این مطلب نوشته شده است ولی باید یک نقطه نظر دیگر را هم مراعات نمود که از نظر محوشده است و سابقاً نوشته شده بود پیشنهاد هم شده بود اشخاصی که معروف بفساد عقیده باشند گمان میکنم که این مسئله لازم تر باشد بتوسیم اشخاصی که معروف بفساد عقیده هستند بواسطه اینکه باید بعضی لایالی گریها و حرکاتی هست که از ایشان فاش میشود مثل بعضی کدر بعضی معاقل و مجامع اظهاراتی کرده اند و آن اظهارات دلیل بر فساد عقیده شان شده البته آن موضوع ثابت شدن در محضر یکی از حکام شرع موضوعی است که اگر عرض کنند واقعا آن کسیکه معروف بفساد عقیده است معلوم نیست در پیش حاکم شرع بتوانیم ثابت کنیم بواسطه اینکه باید اقرار کند یا دو نفر عادل که شهادتشان قبول بشود شهادت بدهند که این فساد عقیده است و با وجود این امساک میکنند و شهادت در آن مورد نمیدهند آنوقت اشخاص فاسدالعقیده می آیند رای میدهند خود این اسباب یک تفرخی شدیدی از این اساس مقدس میشود بنظر بنده که مردم نظرشان بر این است و حقیقتاً هم همینطور است که مشروطیت حقیقت اسلام است بنده از این جهت پیشنهاد میکنم و خواهش میکنم که نوشته شود اشخاصی که معروف بفساد عقیده هستند .

حاج شیخ الرئیس - بنده خیلی متعجب

هستم یا متأسف هستم از نظری که آقای حاجی آقا اظهار فرمودند اگر بنا باشد که بگوئیم فساد عقیده در پیش حاکم شرع ممکن الثبوت نیست یا باشکال می کشد بکشد فساد عقیده مثل فساد اعمال است پس اگر کسی معروف شد بزنا کاری باید چم شود بشمانین جلده یعنی هشتاد تا زیانه باو بزند هیچ یک از موازین شرعیه در اینموقع لازم نیست بلکه بنده عقیده دارم که این حرف ابداً نباید آکره نیاید زیرا که بعضی از کسانی که تمعق هستند در اخبار یا بواسطه غرض یک کسی را خودشان تهمت میزنند بفساد مذهب و فساد اخلاق و آنوقت بر دم میگویند این شخص فاسدالعقیده است و فوراً میگویند قاتل علیه السلام التتو من مواضع التهم آن کسی که اقرار ندراد مبرا است پس بنابر این بنده خیلی خارج از هبل و شرع میدانم که اینطور رای داده شود بلکه بنده طور دیگر رای دارم که خیلی فرق دارد برای آقایان و آن این است که میخواستم عرض کنم که بیثوت در محضر حاکم شرع جامع الشرائط این را لازم میدانم که بگویم اگر نگویم بوجدان خودم ظلم کرده ام چون بنده تاریخ تکفیرها را خیلی دارم لازم بوده ام در محضر مجتهدین مسمی که هر کدام در مقام اعلمیت بوده اند کسی را تکفیر کرده اند که او را هم عنان بلکه بالاتر بنظرش میآید بلکه پشت سرش نماز کرده است حالا باید که قدری حاکم شرع را توضیح کنیم که هر آخوندی شاید در هر محله هست که مسائل شرعیه را نمایندند میگویم بهتر است لقب خودش را عمادالاسلام و حجة الاسلام میگذارد چه بیوجه آنوقت بنده را تکفیر میکنند آنوقت باید بگوئیم پنهان خورید باده که تکفیر میکنند .

رئیس - کویا مذاکرات کافی است در این فقره .

حاج آقا - بنده توضیح دارم .
رئیس - بفرمائید .

حاج آقا - بنده گمان میکنم که عرایض بنده معلوم نشد البته موضوع خروج از دین یک موضوعی است که یک احکامی بر او صادر میشود و این باید در محضر یکی از حکام شرع ثابت شده باشد خروجش از دین اسلام و آنوقت احکام شرعیه برای آن حدود مشخصه است مثل اینکه فرمودند در سایر محاکم شرعیه اینها را است است تادر یکی از محاضر شرع ثابت نشود احکام برایشان وارد نمیشود ولی بنده در موضوع احکام شرعیه هیچ صحبت نداشتم اینجا و هیچ نگفتم که آن احکام شرع در باره اشخاصی که معروف بفساد عقیده هستند وارد میشود تا ثابت نشود برش وارد نمیشود بنده از نقطه نظر سیاست عرض کردم که بهتر این است نوشته شود اشخاصی که معروف بفساد عقیده هستند .
رئیس - اما توضیح باین مفصلی نمیشود باید مختصر باشد - در فقره پنجم مخالفی هست .

حاج وکیل الرعایا - بنده میزری بهتر از خدا سراغ ندارم که تکلیف را در ۱۵ سالگی بر مردها باز کرده است چه جهت دارد که مادر بیست سالگی تکلیف را بر آنها باز میکنیم و آنها را در بیست سالگی داخل تکلیف مینماییم .
حاج شیخ اسدالله - آقای حاج وکیل -

الرعایا خیلی قیاس مع الفارق فرمودند بجهت این که تکالیف شرعیه در ۲۵ سالگی معین شده است که اعمال را بجا میآورند ولی از انتخاب کردن محروم نباید کرد زیرا بنده میخواستم عرض کنم که بیست سال کم است بجهت اینکه کمتر دادن ملتفت امور سیاسی شدن خیلی اشکال دارد بصیر بامور مملکت و حق حاکمیت خیلی مشکل است بیست سال هم آن حقیرا که بتواند تمیز بدهد که حقوق خودش را درباره رای دادن چه درباره اشخاص که رای بدهد اگر ۲۵ سال هم بکمیسیون رای میداد بنده در کمال خوبی باین رای هم اوه بودم و کمتر از بیست سال را هیچ نمیتوانم تصویب کنم این تشبیهی را که کرده اند هیچ مناسب نیست و کمتر از بیست سال نمیشود .

ادیب التجار - بنده در فقره پنجم پیشنهادی کرده ام .

رئیس - در فقره ششم مخالفی هست .

آقای میرزا نایس - بنده ایراد را که در فقره ششم میخواهم عرض کنم متضمن فقره هشتم هم خواهد بود فقره (۶) میگوید در شکستگان بتقصیر محروم میماند از این انتخاب حالا این محروم بودن را بنده نمیفهمم که مادام العمر است یا خیر زیرا در شکسته بتقصیر یک گناهی است که یک نفر در یک مملکتی میکند و برای او مجازات معین میشود آن مجازات بجهت چه معین میشود بجهت این معین میشود وقتی که این مجازات را باو کردند بر می گردد بدرجه اولی و بشرات انسانی خودش مثلا در یک مملکت قانونی نوشته میشود اگر کسی دزدی کرد پنجسال حبس شود آیا این دزدی را که کرد و بعد از پنجسال مجازات قانونی خودش را دید باز میخواهد مثل قبل از دیدن مجازات باو معامله کنید یا خیر اینجا ما باید دوسه سله را در نظر داشته باشیم یکی مسئله حقوقی یکی مسئله سوراتی وقتیکه یک کسی یکدفعه گناه کرد مادام العمر از حقوق انسانیت بی بهره است در انتظار مادر اینموقع یک همچو حالتی برای مملکت ایجاد میکنیم که هر وقت یک کسی یک گناهی کرد دیگر راه برگشتن نداشته باشد بنده گمان میکنم که هیچکدام از قانون الهی و آسمانی اینطور نکرده است همیشه راه برگشت راداده برای انسان باز است من گمان میکنم که این قانون اینطور باید نوشته شود زیرا بی تقصیر هیچ در دنیا نیست همه کسی تقصیر می کنند هر کدام بدرجات بزرگ و کوچک در تمام ممالک مجازات بزرگ و کوچک برای آنها هست اگر چه این گناه بزرگی است بنده تصدیق دارم مجازاتش را بزرگ بکنید اما این صحیح نیست که تمام عمرش از شرافت انسانیت محروم باشد این مسئله عده اشرا در ایران زیاد خواهد کرد این بهتر است که تامدنی مجازات قانونی نشده اند محروم باشند از این حق ولی بعد از اینکه مجازات شده باز حق رای داشته باشند .

ذکاء الملک - بنده داخل فلسفه اینمطلب نمیشوم بجهت اینکه ممکن است استدلال بکند برای امر کلی و آن امر کلی را نمیتوانیم اینجا مذاکره بکنیم یعنی کلیه وقتی که جنایت و تقصیری کرد و مجازات خودش را دید آنوقت شرف او و حیثیات

او دوباره باید عودت بکند یا نکند این بخشش در اینجا نیست یعنی يك بخششی است که جایش اینجا نیست گمان میکنم که این عمل را غالب قبول دارند که نمیتوانیم بعض اشخاص را که بعضی جنایات کرده اند و مجازات شدند بعد از آن جنایت آنها را بهمان نظر نگاه بکنیم که پیش از آن نگاه میکردیم يك کسیکه دزدی کرد و بنده دیدم که دزدی کرد و بعد آنرا از او مسترد داشتم و مجازات هم شد اعم از حبس یا جریمه یا دست بریدن بر حسب قانون شرع که مقرر شده است هر کدام آنها را که ملاحظه کنیم آیا بنده و شما او را بهمان نظر ملاحظه خواهیم کرد که پیش میدیدیم مسلم است که این طور نیست پس این آدم بواسطه ارتکاب این خیانت از حیثیات خودش بالطبع کم کرده است و در همه جای دنیا این رسم هست که از بعضی مردم که بعضی جنایات سرزنند بعضی حقوق سیاسی از آنها سلب میشود از آن جمله حق انتخاب باشد حالا بنده میخواهم عرض کنم که خوب است یا نیست شاید که يك کسی اعتقادش این باشد که يك اتفاقی افتاده است که این آدم مجبور شده است يك گناهی کرده است و بعد پشیمان شده است انصاف و مروت مقتضی است که مادیر دنیال نکندیم که تا آخر عمر او را از همه چیز محروم کنیم این يك نظری است ولی عرض میکنم که این نظر حالا بدرود نینخورد این يك اصلی است که قبول شده است کسیکه دزدی میکند و کسیکه خیانت در مال مردمان کرده است یا سرق و یا جنایت دیگر کرده است فعلا عامه مردم نمیتوانند بعد از آن هم که مجازات شد او را بنظر اول ببینند .

رئیس - مذاکرات در این فقره کافی است یکفقره پیشنهاد از آقا میرزایانس شده است قرائت میشود رأی میکنیم پیشنهاد مزبور (پیشنهاد مزبور بعبارت ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم که قسمت (۶) از ماده (۴) اینطور نوشته شود (۶) ورشکستگان بتقصیر چه مجازات قانونی درباره او اجراء نشده باشد .

رئیس - آقایانیکه این اصلاح را قابل توجه میدانند قیام نمایند (کسی قیام نکرد جز معدودی)

رئیس - قابل توجه نشد يك پیشنهادی هم آقای زنجانی کرده اند ولی این راجع بققره هشتم است .

زنجانی - بله اشتباه شده است راجع بققره هشتم است .

رئیس - در فقره هشتم مخالفی هست .

آقاشیخ ابراهیم - مرتکبین قتل و سرق و کسانیکه مجازات قانونی شده اند صحیح نیست بجهت اینکه حدود هریک از این تقصیرات چه جزئی و چه کلی در اسلام معین شده است حتی دزدی و قتل و هر تقصیر جزئی این چیزیکه در این قانون نوشته شده است باعث نمیشود که اینها محروم باشند بتقصیر باید مثل جنحه و جنایت و قتل نفس باشد مطلق کسی که مستوجب مجازات قانونی شده باشد نمیشود همچنین معروفین بقتل و سرق اینهم صحیح نیست چون مطلق نوشته است واضح نمیکند بنده برای هر دو فقره اش پیشنهاد کرده ام مطلق معروفیت کافی نیست این پیشنهاد رفع محظورات را میکند .

رئیس - خواننده میشود در قابل توجه بودنش باید رأی گرفت پیشنهاد مزبور بعبارت ذیل قرائت شد .

بنده پیشنهاد میکنم که فقره هشتم ماده (۴) چنین نوشته شود :

مرتکبین جنحه و جنایت مثل قتل و سرق و امثال آنها و کسانیکه در تحت معاکمه دهوی جنحه و جنایت هستند مادامیکه برائت خود را حاصل نکرده اند .

رئیس - مخیر کمیسیون قبول میکند .

ذکاء الملک مخبر - بله بنده این پیشنهاد را میتوانم قبول کنم .

حاج آقا - بنده در فقره هشتم عرض دارم .

رئیس - فقره هشتم را که عرض کردم مخالف نبودید .

حاج آقا - عرض داشتم .

رئیس - جزء کمیسیون که نیستید .

حاج آقا - خیر در اول ماده عرض دارم .

رئیس - بفرمائید .

حاج آقا - بنده این ماده را مثل بعضی مواد دیگرش خیلی لازم میدانم که همین طور که نوشته شده است باشد خواهش میکنم که آقایان نمایندگان

متوجه و ملتفت باشند که بعضی چیزها که واقع در حدود اسلامی است باین چیزها داخل نکنند بواسطه اینکه این چیز است که اگر در این مقامات که در مقام تحصیل حقوق سیاسی و همچنین مذاخنه در امور مدنی است باشد یا از خیلی محظورات و اشکالات محفوظ خواهیم بود مثلا مستوجب قانون اسلامی مجازات شده باشد بتقصیر او واضح است همینطور که نوشته شده است باید باشد و همچنین جنحه و جنایت آنطوریکه فرمودند اگر سایر چیزهای دیگر را برداریم معنی این میشود که يك کسی باشد که تمام حدود اسلامی را بکلی پشت پا زده باشد و بکلی منکر شده باشد و مستوجب مجازات شرعی اسلامی قانونی هم شده باشد یا آنکه مجازات هم شده باشد و همه هم میدانند او را بواسطه اینکه مجازات شده است حق انتخاب بدهند و در حق کسی رأی بدهد که در انتخاب او اشخاص هم رأی داده باشند آنوقت تمام آن اشخاصی که متکی بدیانت آن شخص باشند مخالف باشند بنده که بکلی مخالف این ترتیب هستم باید مراعات کرد ولی نه اشخاصی را که مستوجب مجازات اسلامی شده اند مثلا مقصرینی که همیشه محروم هستند اشخاصی هستند که قتل و سرق و یا چیزهای دیگر را مرتکب شده اند مسلماً این اشخاص باید از حقوق سیاسی محروم باشند تا این يك جلوگیری و يك سدی باشد از برای اشخاص دیگر و اگر اینطور چیزها را ما در این مواد قانون حفظ نکنیم خلاف همه چیز است خلاف عدل خلاف مملکت خلاف اخلاق خلاف سیاست .

رئیس - خوبست و قتیکه اظهار عقیده میکنند ملتفت باشید در اظهاراتان بعضی الفاظ را استعمال نکنید .

میرزایانس - اولاً بنده با آقای زنجانی موافق هستم و این جمله را نمیشود شامل هر جور تقصیری نمود .

رئیس - باچه موافقت .

میرزایانس - با پیشنهاد آقای زنجانی چون

اینرا جزو هر جزئی تقصیری کرده اند اگر از هر يك از ما بپرسند شاید خودمان هم پیش و جلان خودمان نمانیم بگوئیم که ما مرتکب هیچ جور تقصیری نشده ایم یا مستوجب هیچ جور تقصیری نشده ایم یا مستوجب هیچ جور مجازاتی نشده باشیم میخوانم تکرار نمایم همان عقیده را که در جمله ششم اینجا عرض کردم و خوبی مختصر آقای مخبر در بیان ایشان اظهار کردند که ما وقتیکه دیدیم يك کسی را يك تقصیری کرده است ممکن است بعد از آنی که آن تقصیر را که کرد دیگر مراد و معاشرت با او نداشته باشیم یا این که مراد معاشرت ما مثل مراد و معاشرت و ارتباطیکه بوده است نباشد راست است بنده هم باین عقیده هستم همینطور است ما باید با يك کسیکه يك است و صحیح است ارتباط داشته باشیم يك کسی باشد که هیچگونه شکی در او نداشته باشیم این نظر را بنده خیلی صحیح میدانم ولی این نظر نسبت بدرجه هر تقصیری باید باشد و نباید مطلق باشد و دلیلش هم هست همینطوریکه در اغلب ممالک بجهت مجازات چندین درجه برای هر تقصیری معین میکنند مثلا در دغه اول کسی که تقصیر میکند يك مجازاتی است چنان که همان کسیکه در دغه نانی تقصیری بکند شاید برای او مجازاتی باشد که دو برابر مجازات اولی باشد در این موارد راه عفو برای او باقی نماند بنده هم میخواهم عرض کنم که همان طوریکه آقای مخبر در اظهارات فرمودند ممکن است يك کسیکه يك قصه مخصوصی داشته است و يك تقصیری کرده است کوچک است یعنی بعد از آن ممکن است که از تقصیر خودش توبه کند و متنبه شود که دیگر من بعد از این کار را نکنم و تحویل ندهم سال بیست سال یا در مدت عمر خودش دیگر تقصیری ارا سر نزنند همچو کسی را چگونه میشود محروم کرد بهمین دلیلی که عرض کردم و ثانیاً هم از این فقره دیگر هم پیشنهادی میکنم که حقوق سیاسی این آدم را در این فصل آن قدر سخت نکنند و اشخاصیکه مجازات شده اند و تقصیرشان جزئی است سبک تر کنند عجلتاً دغه اول اگر تقصیری کرد حقوق سیاسی را بدهند و او را از حقوق سیاسی محروم نکنند و اگر بعد از آن تقصیری کرد آن وقت حقوق سیاسی او را سلب نکنند .

ذکاء الملک - بنده مذاکرات سابق را

اعاده نمیکند فقط يك چیزی را اینجا عرض میکنم آن این است که ما در نوشتن این قانون و در محروم کردن اشخاص در باب انتخاب يك محظوراتی و اشکالاتی داریم در مملکت خومان که فعلاً نمیتوانیم غیر از این قرار بدهیم و در خارج آن محظور و اشکال نیست زیرا که در خارج جنحه و جنایت و گناه هر کدام با سامی مختلف معین شده است به اسامی مخصوص برای هر کدام از آن ها گذارده شده است و برای هر کدام هم يك مجازات تعیین شده است یعنی از درجات خیلی خفیف گرفته تا درجه عالی و آن يك ترتیب خیلی سهلی است مثلا میگویند کسیکه فلان گناه یا فلان قسم از جنایت را که باشد یا فلان مجازات را دیده باشد او از حق انتخاب محروم است ما هنوز آن ترتیب را نداده ایم

و هنوز عدلیه مانع کمال نشده است در انتخاب از برای ما خیلی محظورات و خیلی مشکلات است که نمیتوانیم در مراحل امروزه برای ما ممکن نیست که يك چنین قانونی بنویسیم که هیچ نوع کم و زیادی نداشته باشد و در صد صحت و اعتدال باشد این فرمایشی که آقای م زایانس میفرمایند صحیح است که شاید در يك موقعی يك کسی بکند تقصیری که باشد که فقط او يك چیز جزئی دزدی کرده و این تقصیر را جزء تقصیرات بزرگ محسوب نمایند در صورتیکه این یکی از تقصیرات کوچک است و جهت ندارد همچو کسی که تقصیر او جزئی است از يك حق مشروعی محروم شود صحیح است بنده هم اعتراف میکنم ولی چه بکنیم عجلتاً اقتضای مملکت همچو اقتضای مملکت و چاره هم ندارد زیرا که همانطور که عرض کردم قانون عدلیه ما از حیث قانون مملکتی و سیاسی و درجات تقصیر و خطا معین نشده است ممکن است اگر طور دیگر باشد يك اندازه موافق دلخواه ما نشود زیرا اگر ما خواسته باشیم در این باب دقت بکنیم دو چار اشکالاتی میشود که رفع نگرانی میباشد مثل اینکه بیانات آقای حاج آقا هم شاید بر این حال است و نظرشان بهمین محظورات بوده است مثلا در جنحه و جنایات بعضی تقصیرهای بزرگ است که مجازات خیلی بزرگ دارد و بعضی تقصیرهای کوچک است که آنها مجازات دارد که میتوان بطور مطلق نباشد نه آنکه هر کس که گناهی کرده است از حق انتخاب محروم باشد راست است عرض کردم کسانی هستند که بکلی معصوم بوده اند و خطائی نکرده اند مسلم است اینطور اشخاص همیشه محترم بوده اند و محترم هم هستند این اشخاص اگر چنانچه اتفاقاً تقصیری کردند و تقصیرشان جزئی بود جزء اشخاصیکه تقصیرشان بزرگ است که نمیتوان قرار داد و از این انتخاب هریک حق سیاسی و حق بزرگی است او را محروم کرد بهمین ملاحظاتی بوده که بنده پیشنهاد آقای زنجانی را قبول کردم و پیشنهاد آقای میرزایانس را رد میکنم بواسطه اینکه حالا ما نمیتوانیم قبول بکنیم و قانونی بنویسیم که چه اشخاص حق دارند و چه اشخاصی حق ندارند این است که بالفاظ مجله نوشته شده است و مجبور هم هستم که قبول کنم

سالمان میرزا - بنده اولاً از این نظر عرض میکنم و از این نظر نگاه میکنم و تحمیل آقای میرزا یانس هم نظرشان از این راه باشد شخص را پس از آن که مجازات دادند همان مجازات را بنده در مقابل آن تقصیر کافی میدانم و علاوه مذنباً در توبه هم باز است اگر توبه کرد از گناه پاک میشود دیگر همچو کسی را نمی توانیم بگوئیم گناهکار و بی شرف است حالا قطع نظر از آن حرفهایی که در اینجا مذاکره شد میکنم بواسطه اینکه این صحبت خیلی مهم و موضوع مباحته خواهد بود که آیا این مجازاتی که باو دادند رفع گناه او بکلی شده است یا خیر این را نمیخواهم حالا صحبت کنم و آن يك صحبت بزرگی است که حالا ممکن نیست در آن مباحته بشود فقط میخواهم بگویم که در مذهب اسلام که ما هم داریم و دارای آن مذهب هستیم از برای همه تقصیرات مجازات معین شده حتی برای تقصیرات بسیار بسیار جزئی هیچ انسانی نمی

تواند ادعا نماید که بلا تقصیر خواهد بود و تقصیر جزئی نداشته باشد مگر چند نفر معصومین که ما در مذهب خودمان داریم بنا بر این ممکن است که در زمان زندگانی خودمان ما هم مرتکب يك تقصیر جزئی بشویم و قتیکه مرتکب آن تقصیر جزئی شدیم مذنباً مجبور خواهیم شد يك مجازاتی که در مقابل او هست و قتیکه آن مجازات جزئی بما رسد آیا آن وقت هم از تمام حقوق مدنی و سیاسی معاف خواهیم شد و ما آن وقت محروم نمیشویم از جمیع حقوق مدنی و انسانی که مجازات نشده باشیم در اینصورت گمان نمیکند کسی بتواند ادعا بکند که مادام الحیوة تقصیری نکرده است و گناه را مرتکب نشده است تمام ماها دارای يك تقصیری خواهیم بود و يك تقصیر جزئی خواهند کرد پس در این صورت همه کس از حق انتخاب محروم خواهند بود این قانونیکه از مجلس خواهد گذشت هیچکس حق انتخاب کردن گمان نمیکند نداشته باشد تقصیرات مختلف است يك شخصیکه يك تقصیر جزئی کرد و مجازات دید چگونه میتوان او را از حقوق سیاسی محروم کرد علاوه شهر های دور دست اشخاصی هستند که قدر و قیمت نظریات سیاسی و مدنی را هیچ ندانسته اند و باین واسطه است که بکلی مشروطه است و دیگری مستبد و هر کس مخالف نظر سیاسی دیگری باشد فوراً او را متهم میکنند بمذهبی و يك مجازات شرعی بجهت آن شخص تعلق میگیرد باین نظر چنانچه ما خواسته باشیم این دایره را آنقدر وسعت بدهیم عدد انتخاب کنندگان باندازه منتخب شده گان هم نرسد چون آن تقصیر را بر خلاف تدبیر میدانند فوراً داخل میشود در اینگونه اتهامات بنا بر این اشخاصیکه مستوجب مجازات قانونی باشند و این بواسطه حرف یا ادعای کتبی باشد و هنوز تقصیر او ثابت نشده باشد چطور میتوان همچو کسی را که گناه او ثابت نشده است فقط بواسطه ادعای يك کسی است او را از حق انتخاب و حقوق ملی و حکومتی خارج کرد گمان میکنم همانطور که در عدلیه درجه جنحه و جنایت رامعین کرده اند و درجه تقصیرات جزئی را هم معین کنند بواسطه اینکه جنحه و جنایت و قیاحت باید از این تقصیرات جزئی فرق داشته باشد و کسی که تقصیر جزئی کرده است نباید با جنحه و جنایت که محروم میکنند از حقوق سیاسی با هم مخلوط کرد البته باید در درجه حقوق سیاسی و مدنی فرق داشته باشد يك کسی که آدم کشته یا يك کسی که دست کسی را خراشیده تفاوتی منظور کند نه اینکه بگویند هر دو تقصیر است و باید هر دو مجازات شرعی شوند و هر دو مجازات در نظر مادر یک درجه خواهند بود آن کسیکه پشت دست بنده را خراشیده با آن کسیکه آدمی را کشته باشد هر دو یکی خواهند بود و هر دو يك مجازات دارند البته يك مجازات آنها تعلق نخواهد گرفت و خیلی فرق دارد گمان می کنم همانطور که عرض کردم در اینصورت عده انتخاب کنندگان باندازه عده انتخاب شوند گان نشود صحیح است که باید تا يك اندازه جلوگیری از این اشخاص کرد و يك اشخاصی باشند که برای انتخاب کردن لایق و تا اندازه بی گناه باشند بنده علاجی که برای این کار میدانم همان پیشنهاد آقای زنجانی است که

فرمودند که درجه جنایت را معین کرده اند و باید معین باشد بنده گمان میکنم که برای ابتکار راهی بهتر از این نباشد و از هر دو سمت افراط و تفریط است جلوگیری نمودن همان پیشنهاد آقای زنجانی است زیرا وقتی که مثال زدند قتل و سرق را ممکن بود که يك مثالی هم برای تقصیرات کوچک میزدند که اگر کسی انگشت یا پشت دست کسی را خراشید او هم از انتخاب کردن محروم باشد هیچ ابدا مثالی نزدند همه شان برای جنحه و جنایت است و این ماده باین ترتیب واجالی که دارد خیلی اسباب اشکال از برای آتی خواهد شد تقصیرات غریب و عجیب از برای او پیدا میشود .

رئیس - مذاکرات در این باب کافی نیست .

مدرس در شرایط منتخب چون بنظر ما چندان

اهمیتی نداشت نخواستیم که مذاکره کنیم بمایندات هم که هیچ صحبت نکردیم برای این بود که دایره اش وسیع تر باشد و گویا ضرری بجائی وارد نمی آید لکن کم کم فرمایشات میفرمایند آقایان که بلا بامجازه شدیم عرض کنم مطلب معلوم نشد که مراد چیست همان فرمایشی که آقای حاج آقا فرمودند بنده هم همانجور خیال کردم بعد از آنی که ما بر میداریم مینویسیم ورشکسته بتقصیر انتخاب کردن ندارد آنوقت در این ماده بیائیم بنویسیم که قتل و سرق و امثال آن اولاً امثال آن خیلی محتمل است مفادش این است که اگر خدای نخواسته کسی زانی باشد حق انتخاب دارد و ورشکسته بتقصیر حق ندارد گمان میکنم که هیچکدام از ماها راضی باین مطلب نباشیم لهذا ورشکسته به تقصیر محبت هست و گویا این

چندان اهمیت ندارد و این مستوجب مجازات هم که فرمودند دایره اش خیلی وسیع میشود خیر اینطور نیست خیلی دایره اش عمیق است مستوجب مجازات شرعی در تمام کارهای ما هفتاد تا زیاده است یا يك جزئی بیشتر گرفته اند گمان میفرمائید که تمام گناهی که ما میکنم مجازات دارد ؟ خیر خداوند عالم عفو میکند توبه دارد توبه بکنیم خداوند عفو میفرماید دایره اش خیلی کم است نه اینکه اشتباه بفرمائید آنکه گناهش عفو ندارد گناهی کبیره است و آنهم معلوم است و همه اش هم معلوم است هیچ کشمکش هم ندارد بلکه آن و امثال آنها که فرمودند امثال آنها محتملتر است لهذا در شرایط منتخب که آن استعداد در شرایط منتخب است گمان میکنم که آن استعداد اینگونه وقتها را ندارد بواسطه اینکه معلوم است و ابداً شبه ندارد و مجازات يك میزانی دارد در طریقه اسلام هر کسی که يك اندازه بصیرت داشته باشد میدانند طریقه اش چیست چه مجازات دارد چه چیز مجازات ندارد اشتباه در اینجا است که گمان کنید آقایان که موارد حفیضه دارد و اشتباه میشود در صورتیکه اینطور نیست و گمان میکنم که اگر آقایان صلاح بدانند این ماده را بحال خودش باقی بگذارند و اشتباه هم کم میشود چون در شرایط انتخاب است گویا همین طوریکه نوشته شده است کافی باشد .

رئیس - گمان میکنم مذاکره در این باب کافی است سه فقره پیشنهاد شده است قرائت میشود اولاً از طرف زنجانی بعبارت ذیل قرائت شد بنده پیشنهاد میکنم که فقره هشتم ماده (۴) چنین نوشته شود .

مرتکبین جنحه و جنایت مثل قتل و سرقت و امثال آنها و کسانی که در تحت محاکمه دعوی جنحه و جنایت هستند مادامیکه برائت خود را حاصل نکرده اند .

رئیس - آقای آقا شیخ ابراهیم حالا حق دارید که توضیح بدهید .

آقا شیخ ابراهیم - اما آنچه فرمودند

تقصیرات در شرع هر کس مرتکب تقصیر شد حق تغذیر دارد یا تعلیم هم اگر چنانچه بتأخیر نیفتند حتی یکروز هم تعطیل بشود مجازات نیست صحیح نیست بجهت اینکه اینهمه تقصیرات مجازات دارد آیا این مجازات نیست و مجازات است مجازات بجای خودش است ربطی باین حقوق ندارد که محروم باشد اگر این تقصیر مانع یک حق شرعی است پس کسی نیست که این انتخاب را کند اگر هست آنهم معصوم است پس هر معصومی که از تقصیرات شرعیه یک چوبی باو بزند یک صحتی باو بدهد مستوجب مجازات است اگر او را محروم کنید صحیح نیست بنده عرض کردم جنحه و جنایت و امثال آنها قتل و سرقت را نام ببریم آیا زانی خارج میشود یا نه زانی آیا بدتر از قتل و سرقت است پس این تقصیرات جزئی مراتب پایین جنحه و جنایت است اینها متعلقات مثال است جنحه و جنایت قتل و سرقت است اما آنچه اخیراً عرض کردند معروفین را نباید گفت معروفین یعنی چه باید کسانی را که متهم شده اند آنها را مجازات کرد مادامیکه محاکمه نشده اند بری الذمه نیستند و حق انتخاب ندارند اگر برائت حاصل کردند آنوقت حق انتخاب کردن دارند .

رئیس - آقای مخبر چه میفرمائید .

ذکاء الملک مخبر - بنده قبول کردم این پیشنهاد را از طرف آقای حاج آقا بمضمون ذیل قرائت گردید بنده پیشنهاد میکنم که جزو هشتم اینطور نوشته شود .

مرتکبین قتل و سرقت و مقصرینی که مستوجب حدود قانون اسلامی شده اند و معروفین بقتل و سرقت و امثال آن که شرعاً برائت خود را حاصل نکرده اند .

رئیس - آقای حاج آقا توضیح بدهید .

حاج آقا - بنده بعد از آن توضیحی که آقای مدرس دادند خیلی مطلب را واضح میدانستم و این پیشنهادی هم که کردم راجع بان مطلب است بواسطه اینکه در اینماده که نوشته است مستوجب مجازات خواهد شد باید آقایان بدانند که این مثال هائی که زده شده که آقای آقا سید محمد رضا همدانی و سلیمان میرزا فرمودند مربوط باینجا نبود بواسطه اینکه مجازات قبل از ثبوت مستوجب مجازات نمی شود این بنده حدودی که راجع بحدود غیر نیست وقتی که اینطور نباشد باید بدانند که دایره مجازات شرع چقدر ضیق میشود ابداً در آن بیاناتی که آقای زنجانی فرمودند در اینجا وارد نیست خصوصاً تغذیر و حال آنکه تغذیر یکی از ترتیبات سیاسی است برای حفظ حدود تغذیر را راجع بمجازات شرعیه گرفتند و حال آنکه تغذیر یکی از سیاستها بوده است در نزد حکام شرع و از اینجهت خوب واضح است که مطلب چیست بنده آن حدود را خوب واضح شرح دادم و آنرا بعنوان قصور و لفظ

قصور تعبیر دادیم برای اینکه بدانند که همان جنایات بزرگ است مثل رباه که اهمیت آن از قتل و سرقت و خیلی حرمتش اعظم از ورشکستگی است و خیلی در نظر سیاست و در نظر شرع اهمیت او خیلی زیاد است .

رئیس - آقای مخبر در اینجا چه میفرمائید **ذکاء الملک** - قسمت دوم را بنده اهمیت می دهم که در تحت محاکمه باشد اگر اینطور اصلاح میکردند شاید قبول میکردم .

رئیس - مجدداً خوانده میشود و رأی میگیریم مجدداً اصلاح حاج آقا خوانده شد .

رئیس - این اصلاح بتقاضای مخبر می رود بکمسیون فقره نهم در فقره نهم مخالفی هست .

آقا سید حسین اردبیلی - بنده در فقره هشتم پیشنهادی کرده ام خوانده میشود

رئیس - بله فراموش شده بود حالیه قرائت میشود پیشنهاد آقا سید حسین اردبیلی بعبارت ذیل قرائت شد بنده پیشنهاد میکنم که قسمت هشتم ماده چهارم بان عبارت نوشته شود .

مرتکبین قتل و سرقت و مقصرینی که مستوجب مجازات قانونی مملکتی شده اند تا آخر ماده

ذکاء الملک - پس تمام این پیشنهاد هارا بفرستند بکمسیون مذاکره شود .

رئیس - فرستاده میشود بکمسیون - در فقره نهم مخالفی نیست .

مخالفی نبود در فقره دهم مخالفی هست .

ادیب التجار - من پیشنهادی دارم راجع

بفقره دهم است . **رئیس** - اینها را قبل از وقت خوبست بفرستید

بهیئت رئیسه که آنقدر در مجلس معطل نشویم . پیشنهاد ادیب التجار راجع بفقره دهم قرائت شد این بنده پیشنهاد میکنم جمله ۱۰ از ماده

چهارم بعبارت ذیل نوشته شود .

۱۰ حکام و معاونین آنها و رؤسای امنیه و نظمی و مستخدمین آنان .

ذکاء الملک - سؤال میکنم حاکم بودن چه گناهی است که از انتخاب ایشان را محروم کنند

یک نفر حاکم است میخواهد رأی بدهد چرا باید از انتخاب او را محروم کرد .

ادیب التجار - اول نظام بری و بحری و مستخدمین نظمی و امنیه چرا اینجا محروم هستند

بهمان نظری که اینها را محروم کرده اند بهمان نظر بنده عرض میکنم که حکام و معاونین ایشان از انتخاب باید محروم باشند و بانها نباید حق رأی دارد برای

اینکه اینها اشخاصی هستند که نفوذ دارند در هر شهری که هستند یا در هر محلی که هستند صاحب نفوذ هستند بهمان دلایلی که اهل نظام بری و بحری را مستثناء کرده اند برای اینستکه اینها اهل نفوذ هستند

نظر مردم بنفوذ آنها است چون صاحب نفوذ هستند در محل مأموریت خودشان بهمان نظر هم بنده عرض میکنم که حکام و معاونین آنها و رؤساء نظمی در محل حق انتخاب نداشته باشند .

ذکاء الملک - محروم کردن مستخدمین امنیه و نظمی نظر بنفوذشان نیست و شخص هر قدر نفوذ داشته باشد نمیتواند الفاظ خودش را اجرا بکند

بجهت اینکه بنده نافذ ترین مردم هستم چه می توانم بکنم غیر از اینکه اسم یک کسی را روی یک کاغذ بنویسم و تا بکنم و بدهم دیگر اینکه نفوذ چیز دیگری است اگر بخواهم اجرای نفوذ بکنم

باین است که بروم مرد را به بینم و ترغیب بکنم که این را هم که جلو گیری کرده ایم حاکم هم مثل یکی

از افراد این ملت است او هم حق رأی دارد می رود یک اسم مینویسد می اندازد توی جعبه دیگر هیچ امتیازی و تفاوتی با هیچکس ندارد نظمی و امنیه

را که میگویند حق رأی ندارد برای این است که یکدقیقه از کار خودش که نظم مملکت است تخلف بکند و از این حق مشروع او را محروم کرده اند

بواسطه اهمیت کارش که بواسطه شرکت در امر انتخاب ممکن است کارشان مختل بماند و داخل در پارتنی بازی

و دسته بندی میشوند اگر چنانچه نظام را داخل در امور پلنتیکی نمایند باینجهت گفتند که اهل نظام

از انتخاب محروم هستند مقصود این است که بکلی آسوده باشند از این مسئله و این قبیل فتنه های انتخاب

چون در واقع انتخاب یکی از فتنه هائی است که در مملکت واقع میشود و ناچاریم که این فتنه جزئی را بجهت مصالح کلی قبول کنیم .

رئیس - دو فقره اصلاح دیگر پیشنهاد شده است یکی از طرف آقای لسان الحکماء دیگری از طرف آقای حاج سید ابراهیم خوانده میشود

اول از طرف آقای لسان الحکماء در فقره ۱۰ بعبارت ذیل قرائت شد اصلاح فقره ۱۰ اینطور نوشته شود .

مستخدمین امنیه و نظمی . **لسان الحکماء** - البته همه میدانند که نظمی و امنیه هیچ مشغولیاتی ندارد غیر از نظم مملکت و

اینجا نوشته شده است مستخدمین امنیه و نظمی در محل خدمت بنده میدانم غیر از محل خدمت در کجا

است در قانون انتخابات باید این ملاحظات را دقت کرد اگر میگویند در موقع مسافرت حق دارد اینهم

صحیح نیست بجهت اینکه آنجا هم باید مراقب نظم خودش باشد حتی در بعضی جاها حق خواندن

روزنامه هم نمیدهند چه آنکه در امر انتخابات شرکت کنند باید این دقت شود در محل خدمت هیچ موضوعی

ندارد باین جهت پیشنهاد کردم که کلیه مستخدمین امنیه و نظمی نوشته شود .

حاج سید ابراهیم - بنده چون می بینم وقت تنگ است پیشنهاد خود مرا مسترد میکنم .

رئیس - رأی میگیریم در اصلاح آقای ادیب - التجار آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند رده رئیس تصویب نشد رأی میگیریم در قابل توجه بودن

این اصلاح آقای لسان الحکماء آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام نمایند کسی قیام نکرد . **رئیس** - رد شد پیشنهادی آقای ارباب

کیخسرو داده اند خوانده میشود بمضمون ذیل قرائت شد .

بنده پیشنهاد میکنم در مواد ۴ و ۶ جمله ذیل علاوه شود مقصرین سیاسی و مخالفین اساس مشروطیت و کسانی که بانها موافقت کرده باشند .

رئیس - توضیحی دارید بفرمائید .

ارباب کیخسرو - بنده این اشخاص را

کسانی میدانم که تمام مواد این تقصیر را که اینجا نوشته است در حق آنها مجری است بجهت اینکه این اشخاص کسانی هستند که باعث تلفات جانها و ماله‌ها شده اند از برای این است که بنده پیشنهاد کردم که این اشخاص را انتخاب نکنند و همین جور باید اذهان مردم را حاضر کنیم که چه اشخاص را انتخاب کنند بنده این را لازم میدانم که اشخاصی را که مقصرین سیاسی و کسانی که مخالف اساس مشروطیت هستند آنها هم از حق انتخاب محروم باشند بجهت اینکه ممکن است آن کلمه هزار را مقصرین سیاسی بنویسند

رئیس - چه میفرمائید کمیسیون قبول دارد یا خیر.

ذکاءالملک - چون مجهول است خوب است برود بکمیسیون.

رئیس - تقاضا میکنید که برود بکمیسیون.

ذکاءالملک - بله.

رئیس - اینماده میماند چون دوسه فقره اش راجع شده است بکمیسیون نمیتوانیم در این رأی بگیریم اگر هم مخالفی نباشد مجلس را ختم میکنیم (گفتند صحیح است) تقاضائی هم شده است قرائت میشود باید رأی بگیریم بمضمون این (تقاضای مذکور قرائت شد) مقام محترم ریاست مجلس مقدس شبدالله ارکانه اینجانان تقاضا میکنیم بجهت زود گذشتن قانون انتخابات علی‌المجاله تا قانون انتخابات بگذرد جلسات رسمی مجلس هفته چهار روز روزهای شنبه و یکشنبه سه شنبه پنجشنبه منعقد شود ارباب کیخسرو شاهرخ بامضای ۲۸ نفر دیگر.

رئیس - آقایانیکه این تقاضا را قبول میکنند قیام نمایند (اکثر قیام نمودند).

رئیس - با اکثریت تصویب شد. محض اطلاع نمایندگان یادآوری مینمایم آقایانی که اصلاحات پیشنهاد میکنند خوبست زودتر پیشنهاد کنند که مخبر کمیسیون مسبوق باشد در حینی که اصلاح را میخوانند ملتفت نیستند و بعضی هم درست ملتفت نمیشود آنوقت میدانند باید قبول کنند یا نه بعضی از آقایان هم که اذهانشان مسبوق نیست تکلیف خودشان را نمیدانند دستور جلسه آینده پنجشنبه سه ساعت و نیم بغروب قانون انتخابات را پورت کمیسیون بودجه راجع به یحیی خان قزاق (مجلس یکساعت از شب گذشته ختم شد).

جلسه ۳۰۱

صورت‌مشرح مجلس یوم پنجشنبه

۱۱ شهر شوال ۱۳۲۹

رئیس آقای موتن‌الملک سه ساعت قبل از غروب بکرسی ریاست جلوس نمودند پس از ده دقیقه مجلس افتتاح گردید آقای آقا میرزا ابراهیم خان صورت جلسه گذشته را قرائت کردند.

(اسامی غائبین جلسه گذشته در ضمن صورت مجلس بترتیب ذیل خوانده شد.)

غائبین بدون اجازه - آقا سید محمد باقر ادیب دکتر امیرخان - بی‌اجازه - آقا میرزا احمد - آقایانیکه از وقت مقرر تأخیر نمودند متین السلطنه یکساعت آقا میرزا رضای مستوفی ۴۰ دقیقه دکتر اسمعیل خان ۴۵ دقیقه طباطبائی یکساعت و پنج دقیقه.

رئیس - در صورت مجلس ملاحظاتی هست

حاج شیخ اسدالله - در اول صورت‌مجلس نوشته بود رئیس سه ساعت و نیم قبل از غروب جلوس و ۳ ساعت قبل از غروب جلسه را رسماً منعقد کردند در صورتیکه موقع جلوس رئیس سه ساعت قبل از غروب بود.

رئیس - مکرر عرض کرده‌ام باز هم عرض میکنم که اظهاراتی که راجع بقیبت است در مجلس نباید بشود

حاج شیخ اسدالله - عرض بنده راجع بقیبت نبود راجع بموقع جلوس و صورت مجلس بود

رئیس - فرق نمیکند راجع بدیری وزودی لازم نیست در مجلس اظهار شود

ارباب کیخسرو - در خصوص پیشنهاد بنده هم نوشته‌اند که راجع بود بفقره دهم و حال آنکه راجع نبود بفقره دهم نوشته بودم اضافه شود اگر هم اضافه میشود باید بفوق اضافه شود عرض بنده همین قدر بود که اضافه شود دیگر بجمله دهم یا جمله دیگر عرض نکردم.

رئیس - اصلاح میشود.

ذکاءالملک - در پیشنهاد آقای ادیب‌التجار بنده عرض نکردم وقوع این امر متصور نیست عرض کردم وقوع این امر چون امری میدانم که بهیچ وجه تصدیق نمیکند و ترتیب اثری باو نمیدهم باین جهت قید او بیفایده است.

رئیس - همینطور اصلاح میشود ملاحظاتی دیگری نیست؟ (اظهاری نشد)

رئیس - صورت مجلس با این اصلاحات تصویب شد قانون انتخابات از فصل سوم ماده پنجم خوانده میشود (بترتیب ذیل خوانده شد)

فصل سوم - شرایط انتخاب شوندگان

ماده ۵ - انتخاب شوندگان باید دارا صفات ذیل باشند ۱- متدین بدین حضرت محمد بن عبدالله صلی‌الله‌علیه‌وآله باشند مگر اهل دیانت از نمایندگان ملل متنوعه (مسیحی) (زردشتی) (یهودی) ۲- تبعه ایران باشند ۳- خط و سواد فارسی باندازه کافی داشته باشند ۴- در محل انتخاب معروف باشند ۵- سن ایشان کمتر از ۳۰ و زیاده از ۷۰ نباشد.

رئیس - در فقره اول که البته مخالفی نیست

حاج سید ابراهیم - بنده گمان میکنم و خوب بود آنجا یک شرط زیاد شود که شخصی را که انتخاب میکنند باید بصیرت در محل داشته باشد

رئیس - در فقره اول عرض کردم در فقره اول مخالفی هست؟

حاج شیخ‌الرئیس - بنده شرط اول را لازم میدانم و استثنای ملل متنوعه را هم البته لازم میدانم ولی استثنای این سه ملت را و منحصر کردن این سه ملت با آمال و آرزوهای طولانی مقدس بنده و امثال بنده درست نمیآید شاید یک مملکتی که ستاره پرستند که با اصطلاح قرآن (ساقین) بریاهیتی ایران سراز شدند و مملکت آنها داخل در مستعمرات و مستملکات ایران شد باین جهت انحصار باین سه ملت را بنده صحیح نمیدانم.

افتخار الواعظین - در قانون انتخابات وقتیکه رأی میدهم واسم میبرند از ملل برده میشود که رسمیت داشته باشند در مملکت امروزه مذهبی

که ایران در رسمیت دارد دین اسلام و مذهب مسیحی و زردشتی یهود است و سایر مذاهب در مملکت ما رسمیت ندارد

آقا شیخ‌علی شیرازی - بنده سابقاً پیشنهاد کرده بودم که ملل مختلفه نوشته شود بجهت اینکه کلدانیهم داریم.

مهرزاملک - میخواستم عرض بکنم اشتباه باقی نماند کلدانیها هم مسیحی هستند.

آقا شیخ ابراهیم زنجانی - بعقیده بنده عبارت اینطور نوشته شود نمایندگان از ملل متنوعه مسیحی و زردشتی و یهودی این لفظ از که مقدم بر نمایندگان شده است و جز شود دیگر آنکه یهودی هم کلیمی نوشته شود.

رئیس - در فقره اول دیگر مخالفی نیست؟ (اظهاری نشد) در فقره دوم هم مخالفی نیست؟

(ایضاً اظهاری نشد) در فقره سوم مخالفی هست

مهرزاملک - اگر ماده بطوری است که نوشته شده عرضی ندارم اگر بطوریکه آقای زنجانی اظهار کردند اصلاح شده بنده عرض دارم

رئیس - ماده سوم را عرض کردم - مخالفی هست؟ (اظهار شد مخالفی نیست)

رئیس - در ماده چهارم مخالفی هست؟

آقای مدرس - خوبست همانطوری که آقای حاج سید ابراهیم بیان کرد اضافه شود و بصیرت

محل هم داشته باشد بجهت آنکه فقط معروف بودن منتخب فایده ندارد و باید یک بصیرت محل هم داشته باشد مثلاً اهل کرمان بنده را میشناسند اما من نمیدانم کرمان کجاست و اهل او چطور هستند توابع او کجاها است.

ذکاءالملک مخبر کمیسیون - البته نمایندگان اگر بصیرت محل داشته باشند بهتر است ولی بعضی شرایط است که بطوریکه در جلسه گذشته عرض کردم چطور تمیز میدهم که بصیرت در امور محل داشته باشد یا نداشته باشد ممکن است یک کسیکه اهل آن محل نیست بصیرت در امور آن محل داشته باشد و یک شخصی که از اهل آن محل است بصیرت

در امور آن محل نداشته باشد حالا چطور در مقام عمل آنرا تمیز میدهم و چطور بموقع اجرا میگذاریم که فلانکس بصیرت در امور محل دارد یا خیر این مثل همان بحثی است که ما در خود بصیرت کردیم بجهت اینکه گفتند اهل بصیرت باشد چطور ما میتوانیم بگوئیم این شخص بصیرت ندارد بعضی شرایط است که وقتیکه میتوانیم تمیز او را نمیدانیم چه شکل تمیز

بدهیم مثلاً چه قسم بصیرت میفرمائید داشته باشد در امور محل در صورتیکه باز این شاید تا یک اندازه بهتر موافقت دارد با مطلوب بصیرت در امور مملکتی باشد معذک آنهم بیک میزان معین که میتوان شناخت که بصیرت دارد یا ندارد یک چنین میزانی ندارد که بتوان مقایسه کرد و تمیز داد که فلانکس بصیرت بامور مملکتی هست یا نه در بصیرت بامور محل بطریق

اولی این حرف میآید و اگر راهی بجهت تمیز این هست که خوبست این قید را بگذاریم لکن راهی بنظر بنده نمیآید که این را تمیز بدهیم باین جهت اینطور نوشته شد.

حاج شیخ اسدالله - در نظامنامه سابق یک مطلبی بود و او از اینجا افتاده است باینجهت

که ایران در رسمیت دارد دین اسلام و مذهب مسیحی و زردشتی یهود است و سایر مذاهب در مملکت ما رسمیت ندارد

آقا شیخ‌علی شیرازی - بنده سابقاً پیشنهاد کرده بودم که ملل مختلفه نوشته شود بجهت اینکه کلدانیهم داریم.

مهرزاملک - میخواستم عرض بکنم اشتباه باقی نماند کلدانیها هم مسیحی هستند.

آقا شیخ ابراهیم زنجانی - بعقیده بنده عبارت اینطور نوشته شود نمایندگان از ملل متنوعه مسیحی و زردشتی و یهودی این لفظ از که مقدم بر نمایندگان شده است و جز شود دیگر آنکه یهودی هم کلیمی نوشته شود.

رئیس - در فقره اول دیگر مخالفی نیست؟ (اظهاری نشد) در فقره دوم هم مخالفی نیست؟

(ایضاً اظهاری نشد) در فقره سوم مخالفی هست

مهرزاملک - اگر ماده بطوری است که نوشته شده عرضی ندارم اگر بطوریکه آقای زنجانی اظهار کردند اصلاح شده بنده عرض دارم

رئیس - ماده سوم را عرض کردم - مخالفی هست؟ (اظهار شد مخالفی نیست)

رئیس - در ماده چهارم مخالفی هست؟

آقای مدرس - خوبست همانطوری که آقای حاج سید ابراهیم بیان کرد اضافه شود و بصیرت

محل هم داشته باشد بجهت آنکه فقط معروف بودن منتخب فایده ندارد و باید یک بصیرت محل هم داشته باشد مثلاً اهل کرمان بنده را میشناسند اما من نمیدانم کرمان کجاست و اهل او چطور هستند توابع او کجاها است.

ذکاءالملک مخبر کمیسیون - البته نمایندگان اگر بصیرت محل داشته باشند بهتر است ولی بعضی شرایط است که بطوریکه در جلسه گذشته عرض کردم چطور تمیز میدهم که بصیرت در امور محل داشته باشد یا نداشته باشد ممکن است یک کسیکه اهل آن محل نیست بصیرت در امور آن محل داشته باشد و یک شخصی که از اهل آن محل است بصیرت

در امور آن محل نداشته باشد حالا چطور در مقام عمل آنرا تمیز میدهم و چطور بموقع اجرا میگذاریم که فلانکس بصیرت در امور محل دارد یا خیر این مثل همان بحثی است که ما در خود بصیرت کردیم بجهت اینکه گفتند اهل بصیرت باشد چطور ما میتوانیم بگوئیم این شخص بصیرت ندارد بعضی شرایط است که وقتیکه میتوانیم تمیز او را نمیدانیم چه شکل تمیز بدهیم مثلاً چه قسم بصیرت میفرمائید داشته باشد در امور محل در صورتیکه باز این شاید تا یک اندازه بهتر موافقت دارد با مطلوب بصیرت در امور مملکتی باشد معذک آنهم بیک میزان معین که میتوان شناخت که بصیرت دارد یا ندارد یک چنین میزانی ندارد که بتوان مقایسه کرد و تمیز داد که فلانکس بصیرت بامور مملکتی هست یا نه در بصیرت بامور محل بطریق اولی این حرف میآید و اگر راهی بجهت تمیز این هست که خوبست این قید را بگذاریم لکن راهی بنظر بنده نمیآید که این را تمیز بدهیم باین جهت اینطور نوشته شد.

حاج شیخ اسدالله - در نظامنامه سابق یک مطلبی بود و او از اینجا افتاده است باینجهت